

انتظار ۱۴

چاپ پنجم



# جامعہ منتظر چالش‌ها و آسیب‌ها

سید محمد میرتبار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**انتظار» ۱۴۱۱ھ**

جامعہ منتظر،  
چالش‌ها و آسیب‌ها

سید محمد میر تقی

میر تبار، محمد، ۱۳۴۷ -  
 جامعه منتظر، چالش‌ها و آسیب‌ها / سید محمد میرتبار. - قم:  
 بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی  
 مهدویت، ۱۳۹۰.  
 ۱۶۲ ص، - (بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام مرکز  
 تخصصی مهدویت؛ ۱۰۱)  
 - ریال:

ISBN ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۲۴-۶

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا  
 کتابنامه: ص ۱۵۵ - همچنین به صورت زیرنویس  
 ۱. مهدویت. ۲. محمد بن حسن علیه السلام، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. ۳.  
 جامعه مدنی - تأثیر مهدویت.  
 ۴. مهدویت - انتظار - احادیث. الف. بنیاد فرهنگی حضرت  
 مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی مهدویت. ب. عنوان.  
 ۲۹۷/۳۶۹۱  
 ۲۲۱۹۳۵۳  
 Bp ۲۲۴/۴/م ۹ ج ۲  
 ۱۳۹۰



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود  
 انتشارات

## جامعه منتظر، چالش‌ها و آسیب‌ها (انتظار ۱۴)

- مؤلف: سید محمد میرتبار
- ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام
- طرح جلد و صفحه‌آرا: عباس فریدی
- نوبت چاپ: پنجم، زمستان ۱۳۹۵
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۲۴-۶
- شمارگان: دو هزار نسخه (تاکنون: سیزده هزار نسخه)
- قیمت: ۳۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

○ قم: خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / پ: ۲۶ /  
 تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۱۱۳۰ / ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۷۳ / نمابر:  
 ○ تهران: خیابان انقلاب / خیابان قدس / خیابان ایتالیا / پ: ۹۸ /  
 تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۹۸۶۰۰ / ۰۲۱-۸۹۷۷۴۳۸۱ / نمابر:

- [www.mahdaviat.ir](http://www.mahdaviat.ir)
- [info@mahdaviat.ir](mailto:info@mahdaviat.ir)
- [Entesharatbonyad@chmail.ir](mailto:Entesharatbonyad@chmail.ir)

## فهرست

|                                                 |           |
|-------------------------------------------------|-----------|
| چکیده.....                                      | ۶         |
| پیشگفتار.....                                   | ۸         |
| <b>کلیات</b> .....                              | <b>۱۱</b> |
| آسیب‌شناسی.....                                 | ۱۲        |
| آسیب‌شناسی دینی.....                            | ۱۳        |
| آسیب‌شناسی مهدویت.....                          | ۱۵        |
| <b>فصل اول: آسیب‌شناسی جامعه منتظر</b> .....    | <b>۱۷</b> |
| ۱. مفهوم‌شناسی جامعه منتظر.....                 | ۱۹        |
| ۲. آسیب‌های فکری و اعتقادی.....                 | ۲۱        |
| ۱- ۲. عدم درک صحیح از اضطرار به حجت.....        | ۲۱        |
| ۲- ۲. برداشت انحرافی از مفهوم غیبت.....         | ۲۲        |
| ۳- ۲. برداشت انحرافی از مفهوم انتظار.....       | ۲۵        |
| ۴- ۲. آمیختگی نشانه‌های ظهور با شرایط ظهور..... | ۲۹        |
| ۵- ۲. زمینه‌سازی از راه گسترش ظلم و فساد.....   | ۳۰        |
| ۶- ۲. توقیت.....                                | ۳۳        |
| ۷- ۲. تطبیق.....                                | ۳۷        |
| ۸- ۲. طرح مباحث غیرضروری.....                   | ۴۱        |
| ۹- ۲. کوتاهی متولیان در ارائه معارف.....        | ۴۳        |
| ۳. آسیب‌های رفتاری.....                         | ۴۴        |
| ۱- ۳. ایجاد هرج و مرج و بروز اختلافات شدید..... | ۴۴        |
| ۲- ۳. استعجال.....                              | ۴۶        |
| ۳- ۳. ظهور مدعیان دروغین.....                   | ۴۹        |
| ۴- ۳. ملاقات‌گرایی.....                         | ۵۲        |
| ۵- ۳. بروز کسالت، سستی و بی‌حالی.....           | ۵۶        |
| ۶- ۳. نمادگرایی افراطی.....                     | ۵۷        |
| ۷- ۳. ارتباط گسسته و مقطعی.....                 | ۶۰        |

- ۸- ۳. روابط اجتماعی ناسالم (گسست اجتماعی) .. ۶۱
- ۹- ۳. کم فروغ شدن عواطف انسانی ..... ۶۳
- ۱۰- ۳. شیوع ناهنجاریهای رفتاری ..... ۶۷
- ۱۱- ۳. انگیزه‌های غیر انسانی در روابط اجتماعی ۶۸
- ۱۲- ۳. آسیب‌های سیاسی در عصرانتظار ..... ۶۹
- ۱۳- ۳. عدم تناسب سطح معارف منتظران با شرایط عصر حاضر ..... ۷۱
- ۱۴- ۳. ابهام در آثار روانی مهدویت ..... ۷۲
- ۱۵- ۳. انتظار منجی بدون تلاش برای تغییر ..... ۷۴
- ۱۶- ۳. بی‌تفاوتی منتظران در قبال زمینه‌سازی .... ۷۶
- ۱۷- ۳. عدم پیروی از نایب امام زمان (عج) ..... ۷۸
- ۱۸- ۳. عدم تبیین مشکلات فقدان امام (عج) ..... ۷۹

### فصل دوم: عوامل پیدایش آسیب در جامعه منتظر — ۸۳

۱. عوامل درون فردی ..... ۸۴
  - ۱- ۱. فراموشی ولایت خدا و معصومان (ع) ..... ۸۴
  - ۲- ۱. فقر فرهنگی ..... ۸۶
  - ۳- ۱. خودخواهی و دنیاگرایی ..... ۸۷
  - ۴- ۱. اشتیاق غیر معقول ..... ۹۰
۲. عوامل برون فردی ..... ۹۲
  - ۱- ۲. عدم معرفت عمومی ..... ۹۲
  - ۲- ۲. ضعف جامعه پذیری ..... ۹۴
- ۳- ۲. فقر و غنای مفرط اقتصادی ..... ۹۶

### فصل سوم: آثار و پیامدهای آسیب در جامعه منتظر — ۹۹

۱. آسیب‌های فردی ..... ۱۰۱
  - ۱- ۱. ترس از امام و آرمان‌های او ..... ۱۰۱
  - ۲- ۱. گریز از امام و آرمان‌های او ..... ۱۰۲
  - ۳- ۱. ترک وظایف و تکالیف انتظار ..... ۱۰۴
۲. آسیب‌های اجتماعی ..... ۱۰۶

|                                                              |     |
|--------------------------------------------------------------|-----|
| ۱-۲. ناامیدی افراد جامعه                                     | ۱۰۶ |
| ۲-۲. عدم پیروی از فقها و دانشمندان                           | ۱۰۸ |
| ۳-۲. گسست میان نسلهای تشیع                                   | ۱۱۲ |
| <b>فصل چهارم: نقد و بررسی مستند آسیبها در جامعه متظر ۱۱۵</b> |     |
| ۱. بازخوانی پروندههای مدعیان دروغین                          | ۱۱۷ |
| ۲. عوامل انحراف مدعیان                                       | ۱۲۷ |
| ۱-۲. اختلال روانی                                            | ۱۲۷ |
| ۲-۲. خود کم بینی و حقارت                                     | ۱۲۹ |
| ۳-۲. افراط و تفریط                                           | ۱۲۹ |
| ۴-۲. سوءاستفاده از نادانی                                    | ۱۳۰ |
| ۵-۲. زودباوری مردم                                           | ۱۳۱ |
| ۳. تحلیل نهایی                                               | ۱۳۴ |
| ۴. اهداف و انگیزهها                                          | ۱۳۸ |
| ۵. شگردهای جذب مریدان                                        | ۱۴۰ |
| ۶. اهم راهکارهای مقابله با مدعیان دروغین                     | ۱۴۲ |
| ۱. اقدامات ایجابی                                            | ۱۴۲ |
| ۲. اقدامات سلبی                                              | ۱۴۳ |
| دو نکته                                                      | ۱۴۴ |
| نتیجه گیری                                                   | ۱۴۴ |
| کتابنامه                                                     | ۱۵۵ |

## چکیده

جامعه منتظر، اجتماعی آرمانی است که مورد نظر اسلام می‌باشد؛ از این رو، آسیب‌شناسی آن نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این آسیب‌ها را می‌توان در گروه‌هایی چند، از جمله فکری و رفتاری در دو قلمرو فردی و اجتماعی جای داد. نفهمیدن درست بایستگی نیاز به حجت الهی، برداشت ناروا از مفاهیم غیبت و انتظار، آمیختن نشانه‌های ظهور با شرایط آن، پندار نادرست زمینه‌سازی ظهور از راه گسترش بیدادگری و فساد، زمان بندی ظهور، برابرسازی نشانه‌ها برافراد، طرح مباحث غیرضروری، کم‌کاری انسان‌های مسؤول در ارائه آموزه‌های وابسته به ظهور و... از دسته نخست، هرج و مرج زایی و اختلافات تند، شتاب ورزی در موضوع ظهور، آشکارشدن مدعیان دروغین مهدویت، ادعای دیدار با حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، بروز سستی و بی‌مسئولیتی در جامعه منتظر، نمادگرایی افراطی، پیدایش انگیزه‌های غیرانسانی در پیوندهای اجتماعی، ناهمسانی آگاهی‌های منتظران با شرایط کنونی، ابهام در آثار روانی

مهدویت، انتظار رهایی بخش بدون اقدام به دگرگونی اوضاع جامعه، بی تفاوتی منتظران در باره زمینه سازی، پیروی نکردن از نایب امام زمان علیه السلام، روشن نکردن دشواری‌های نبود امام و ... از دسته دوم به شمار می‌آیند. گفتنی است آسیب‌های یاد شده، پیامدهایی همچون فاصله‌گیری از آرمان‌های امام، کنار نهادن بایسته‌های انتظار، ناامیدی اجتماع و ... را در پی دارد. برون‌رفت از آن‌ها نیز به عوامل درونی و بیرونی، مانند فراموش نکردن ولایت الهی و معصومان علیهم السلام، غنای فرهنگی، فزونی آگاهی‌ها و زدودن شبهه‌ها وابسته است. به یقین، کسب آگاهی و شناخت از پیش‌گویی‌های معصومان علیهم السلام در باب آسیب‌های زمان غیبت، باعث درک بهتر و عمیق‌تر جامعه منتظر می‌شود تا مردم، از شرور، در امان بمانند.

### پیش‌گفتار

باور به آشکار شدن شخصیت رهاکنندهٔ انسان‌ها از زنجیرهٔ ستم و بیداد، پیشینه‌ای شاید به درازای عمر بشریت دارد. این اندیشه، همواره آماج آسیب‌هایی نیز بوده است. نخست باید به نارسایی‌های فرهنگی و اعتقادی جامعهٔ منتظر به عنوان ریشهٔ همهٔ آسیب‌های مزبور اشاره کرد. از چنین ریشه‌ای، شاخه‌هایی چون رویش خزه‌وار گروه‌های مدعیان عرفان‌های دروغین و دراویش سرزده‌است. امیدزدایی هم از دیگر موارد قابل اشاره در این راستا است؛ به همین دلیل دشمنان اسلام، نظریه‌هایی از جمله «پایان تاریخ» و «جنگ تمدن‌ها» را به منظور انحراف افکار عمومی مطرح می‌کنند.

رواج اندیشهٔ پلورالیسم<sup>۱</sup> دینی یا حقانیت همهٔ ادیان، از سوی نظریه‌پردازان غربی نیز به دلیل تردیدزایی در زیرساخت‌های اعتقادی اسلام، می‌تواند در ردیف آسیب‌های یادشده جای گیرد.

رویکرد «مهدی نوعی» و اینکه این شخصیت -  
 حتماً فرد شناخته شده‌ای نمی‌باشد نیز، گام  
 دیگری در ایجاد آسیب است.

پیوند نادرست میان سنت و مدرنیته نیز از  
 دیگر آفت‌های این پدیده زیبای اسلامی است؛  
 چرا که گاه به دلیل در پی داشتن خود  
 باختگی‌های فرهنگی در برابر تمدن و اندیشه -  
 های بیگانه، مفهوم انتظار را که ساحتی سنتی  
 دارد، به حاشیه می‌راند.

اعتقاد به حکومت عدل الهی حضرت

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریع و طرد و انکار هر نوع حکومتی  
 پیش از ظهور، سبب نوعی انحصارگرایی در  
 بعد سیاسی می‌شود و در نتیجه هیچ‌گونه  
 تلاشی برای اصلاح امور و تشکیل حکومت  
 عادلانه و اجرای احکام الهی صورت نمی‌گیرد.  
 چنین ایده‌ای انسان را به گوشه‌نشینی و انزوا  
 طلبی می‌کشاند یا به تمکین هرگونه حکومت  
 طاغوتی و ستمکار منجر می‌شود.

در پدیده انتظار، سه عنصر وظیفه، نقش و  
 کار نهفته است.<sup>۱</sup> بر اساس تیپ‌شناسی

۱. نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ص ۱۴۴.

گروه‌های اجتماعی نظریه کارکردگرایی، فقط مؤمنان و شیعیان واقعی که همسو با ثقلین حرکت کرده و هرگز از آن‌ها جدا نشده‌اند، دارای کارکردهای آشکار و مثبت انتظار هستند.

با توجه به منابع تاریخی و اوضاع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع اسلامی و با توجه به نوع نگرش و برخورد با مسئله انتظار، می‌توان آسیب‌های اجتماعی گوناگونی را شناسایی کرد.

بعضی از گروه‌های آسیب، در واقع اعتقاد به منجی و فرهنگ انتظار را که در فرهنگ دینی ما پذیرفته شده است، قبول ندارند؛ اما هدف و وسیله دیگری جایگزین آن کرده‌اند. آنان برای رسیدن به مقاصد خود و کسب پایگاهی مردمی به عوام‌فریبی دست زده، ادعای مهدویت کرده‌اند. حمایت قدرت‌های استکباری نیز در اغلب اوقات، قابل مشاهده است که با این اوصاف باید با این منجیان دروغین مقابله کرد و آنان را به جامعه اسلامی شناساند.

# کلیات

### آسیب‌شناسی

بر اساس تعریف فرهنگ پیشرفته آکسفورد، آسیب‌شناسی<sup>۱</sup>، مطالعه علمی آسیب‌ها، بیماری‌ها و اختلالات است. آسیب‌شناسی، موقعیتی و یا حالتی زیست‌شناختی است که در آن یک ارگانیزم از عملکرد صحیح و یا مناسب منع شده است.<sup>۲</sup> امروزه، اصطلاح «آسیب‌شناسی» به عنوان معادل دقیق واژه انگلیسی خود یعنی *Pathology* به کار می‌رود. *Patho* به مفهوم بیماری و آسیب است که به هر وضعیت غیرعادی در بدن یا روان می‌گویند که باعث ناراحتی، سوءکارکرد

---

۱. *Pathology*

۲. آسیب‌شناسی توسعه‌ی فرهنگ دینی، ص ۳۶-۳۷.

یا تنش در فرد مبتلا یا افراد در ارتباط با فرد مبتلا می‌گردد.<sup>۱</sup>

آسیب‌شناسی در همه رشته‌های علوم، اعم از کاربردی و انتزاعی، پایه و غیرپایه، تجربی و طبیعی، انسانی و غیرانسانی، و به‌ویژه در روان‌شناسی و تعلیم و تربیت کاربرد خاص خود را دارد. هدف اصلی از چنین مطالعاتی، تکمیل و تأمین فرآیندهای مناسب برای دفع یا رفع آفات و آسیب‌ها است.

### آسیب‌شناسی دینی

آسیب‌شناسی دینی<sup>۲</sup> اصطلاح جدیدی در حوزه اندیشه دینی و به مفهوم شناخت آسیب‌ها و اشکالاتی است که به اعتقادات و باورهای دینی یا به آگاهی و معرفت دینی و علمی در یک جامعه دینی وارد می‌شود یا ممکن است وارد بشود. بر این اساس، شاید بتوان بررسی و شناخت اموری که با اصل دین و معرفت دینی در تضاد است را به عنوان

---

۱. ر.ک: «دانش‌نامه ویکی‌پدیا فارسی»، ویکی‌پدیا، نام پایگاه اینترنتی است که جیمی ولز در سال ۲۰۰۱م بنیان‌گذاری کرد ([www.wikipedia.org](http://www.wikipedia.org)).

۲. *Religious Pathology*.

عاملی که اساس دین را نشانه‌رفته و به آن ضربه می‌زند آسیب شناسی دینی به معنای اخص کلمه نامید و در مقابل، بر فرآیند شناخت مفاهیم و نگرش‌هایی که به عمل غیردینی دینداران منجر می‌شود، آسیب شناسی نگرشی (معرفت دینی) نام نهاد. قابل تذکر است که آسیب‌های دینی می‌تواند عوامل و منشأهای گوناگون داشته باشد؛ ولی مجموع آن‌ها در دو بعد ظهور می‌یابد: بُعد اول مربوط به عقاید و معرفت دین‌شناسان یا مدعیان دین شناسی و بعد دیگر مربوط به عمل و رفتار دینداران و متظاهران به دینداری است.<sup>۱</sup>

از این رو وجوه گوناگونی از آسیب‌های دین و دین‌داری بروز می‌یابد که به عنوان نمونه می‌توان از این موارد نام برد: عدم فهم عمیق دین و سلوک دینی، دریافت نادرست مفاهیم دینی، ضعیف شدن باورها و رفتارهای دینی، سست شدن بنیادهای اخلاقی، بی‌ارزش شدن ارزش‌های دینی، بی‌اعتقادی به دین و امور

---

۱. ر.ک: دژکام، علی، مقاله استاد مطهری و نسبت معرفت دینی، مجله تقد، ص ۲۲۳-۲۲۰.

مذهبی، بی‌ایمانی، اباحی‌گری مذهبی، گریز از امور دینی و مذهبی و ظهور و بروز بدعت‌ها.

### آسیب‌شناسی مهدویت

گاه به مسامحه و یا اشتباه، وقتی سخن از آسیب‌شناسی مهدویت به میان می‌آید، ممکن است برداشت شود که اساساً آموزه مهدویت و اندیشه نجات‌بخشی موعود اسلام که ریشه در قرآن<sup>۱</sup> و روایات قطعی اسلامی<sup>۲</sup> دارد، دچار آسیب است. در حالی که وقتی از آسیب‌های مهدویت و آسیب‌شناسی آن سخن می‌گوییم، به تفاسیر غلطی که از این آموزه به وجود آمده و یا خرافاتی که در اذهان مردم نسبت به این حقیقت ایجاد شده است نظر داریم و گرنه اصل و اساس این بحث جزو

---

۱. کتاب *المحجة فی ما نزل فی القائم الحجة* نوشته علامه سیدهاشم حسینی بحرانی که توسط سیدمهدی حائری قزوینی به نام سیمای حضرت مهدی در قرآن ترجمه شده است، مجموعه کاملی از آیات قرآنی را معرفی می‌کند که به بحث مهدویت مربوط می‌شود.

۲. مجموعه هشت جلدی *معجم احادیث الامام المهدی (ع)* دوره کاملی از روایات اسلامی پیرامون مهدویت می‌باشد که توسط مؤسسه المعارف الاسلامیه، مسجد مقدس جمکران به چاپ رسیده است.

حقیقی‌ترین و اساسی‌ترین بنیان‌های زندگی  
بشر به شمار می‌رود.

فصل اول:

آسیب شناسی جامعه

منتظر

این بخش، عهده‌دار پاسخ به دو سؤال اساسی است. اینکه در متون و منابع اسلامی برای جامعه منتظر امام غایب، آسیبی ذکر شده است؟ با فرض ذکر این آسیب‌ها، مهم‌ترین آن‌ها در این عرصه چیست و به چه مواردی اشاره شده است؟ علاوه بر این، چه آسیب‌هایی در باره روایات و آموزه‌های مربوط به انتظار ظهور امام به وجود آمده که به انحراف در برداشت‌ها و تفاسیر از آن‌ها انجامیده است؟

برای یافتن پاسخ این سؤالات و بررسی روایات مهدویت، کتاب‌های: کافی، غیبت-نعمانی، کمال‌الدین شیخ صدوق و غیبت شیخ طوسی، به عنوان منابع اصلی و مجلدات ۵۱ تا ۵۳ کتاب بحار الانوار، که به تبویب همان روایات

کتاب اصلی پرداخته است، منبع درجه دوم به شمار می‌آید.

این آسیب‌ها، در دو بخش آسیب‌های فکری و اعتقادی، و آسیب‌های هنجاری و رفتاری دسته‌بندی شده‌اند که در ادامه می‌آیند.

### ۱. مفهوم‌شناسی جامعه منتظر

جامعه منتظر، جامعه‌ای آرمانی است که می‌تواند زمینه‌ساز دولت مهدی علیه السلام باشد؛ پس باید ویژگی‌هایی متناسب و منطبق بر فرآیند زمینه‌سازی، داشته باشد و براساس آن، برنامه‌ریزی و اقدام کند.

استاد شهید مطهری در توضیح معنای انتظار و بررسی ریشه قرآنی و روایی آن بیان مبسوطی دارد که خلاصه آن، چنین است:

اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ستیز و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی و... به وسیله شخصیتی مقدس و عالیقدر که در روایات متواتر اسلامی از او به «مهدی» تعبیر شده است اندیشه‌ای است که کم و بیش، همه فرق و مذاهب اسلامی بدان مؤمن و معتقدند؛ زیرا این اندیشه، به حسب اصل و ریشه قرآنی است. این اندیشه،

بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوش‌بینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است.

امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی انسانی، در زبان روایات اسلامی «انتظار فرج» خوانده شده و عبادت - بلکه افضل عبادات - شمرده شده است. اصل انتظار فرج از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می‌شود و آن، اصل «حرمت یأس از رَوح‌الله» است. مردم مؤمن به عنایات الهی، هرگز در هیچ شرایطی امید خویش را از دست نمی‌دهند و تسلیم یأس و ناامیدی و بی‌هوده‌گرایی نمی‌گردند.<sup>۱</sup>

بنابراینچه گفته شد، در معنای لغوی انتظار، آینده‌نگری نهفته است و در فرهنگ دینی، انتظار به معنای توقع پیروزی صالحان و حاکمیت خوبان در آینده جهان است؛ پس می‌توانیم نتیجه بگیریم مراد از جامعه منتظر، جامعه‌ای است که در سیر تاریخی و حرکت اجتماعی خود، چشم اندازی روشن را می‌بیند که در آن، به تمام خواسته‌های انسانی و ایده‌های دینی خود خواهد رسید و از متن قرآن و

---

۱. قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۷۵.

روایات برخاسته و شکل می‌گیرد؛ ولی شکل تکامل یافته جامعه اسلامی و شیعی است.

## ۲. آسیب‌های فکری و اعتقادی

۲-۱. عدم درک صحیح از اضطرار به حجت با نگاهی گذرا به تاریخ پیامبران و اوصیای آنان، به خوبی روشن می‌شود که بسیاری از افراد به دلیل نا آگاهی و عدم درک صحیح از اضطرار به حجت، همانند مهربانی، منطق، حکمت و دیگر آثار حضور و قیام آن حضرت، نه از سر عناد و لجاجت، بلکه به دلیل عدم درک، با او به دشمنی پرداختند؛ یعنی به دلیل عدم شناخت جایگاه حضرت و حل نشدن مسأله اضطرار به حجت، به دشمنی بر می‌خیزند. در همین رابطه حضرت علی علیه السلام فرمود:

حضرت مهدی علیه السلام غیبتی خواهد داشت که جاهل گوید: «به آل محمد علیهم السلام نیازی نیست».<sup>۱</sup>

جایگزین کردن تجربه دینی و عقل، ابزاری به جای وحی، همه و همه از این توهم سر

۲. غیبت طوسی، فصل ۵، ص ۳۴۱.

چشمه می‌گیرد. البته این عدم درک صحیح از اضطرار به حجت، بیشتر به سبب تعجب بی جا است که از شنیدن حق و پذیرفتن آن، امتناع می‌ورزند.

## ۲-۲. برداشت انحرافی از مفهوم غیبت

مسأله غیبت امام دوازدهم شیعیان از زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مطرح بوده و به وسیله خود آن حضرت بارها و بارها به تعبیر مختلف بیان شده است؛

وضعیت و ماهیت این غیبت در روایات، به تصویر کشیده شده است؛ از جمله امیرالمؤمنین علیه السلام ضمن خبردادن از فتنه غیبت و شرایط سخت آن، به وضعیت حضور امام غایب و رابطه او با مردمان اشاره می‌کند:

او کسی است که مردم را می‌شناسد؛ اما شناخته نمی‌شود و از آنجا که زمین از حجت خدا خالی نیست، خداوند به دلیل ظلم و گناه و اسراف مردم بر خودشان، آنها را در باره او نابینا ساخته است. نیز وضعیت او به مانند وضعیت یوسف نسبت به برادران او است.<sup>۱</sup>

همچنین از دو نوع این غیبت سخن به

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۴۲.

میان آمده و بر همین اساس غیبت صغرا و غیبت کبرا برای امام غایب در نظر گرفته شده است.<sup>۱</sup>

اما آسیبی که در این میان امکان بروز می‌یابد، فرض کناره‌گیری امام از جامعه انسانی و انفعال او در برابر مردم است. در چنین فضایی ممکن است تصور شود امام به جغرافیای دیگری از عوالم مهاجرت کرده است و هنگام ظهور، از آن عالم مراجعت می‌کند که خیال‌بافی‌هایی از این دست با آنچه در روایات و آموزه‌های اسلامی درباره غیبت و ماهیت آن ذکر شده است، در تضاد می‌باشد.

مکتب شیخیه که در اوایل قرن سیزدهم به وسیله احمد بن زین الدین معروف به «شیخ احمد احسائی» (۱۱۶۶ - ۱۲۴۱ ق) پدید آمد، نمونه‌ای از این جریانات انحرافی بود که در نهایت به شکل‌گیری بابیت و بهائیت انجامید. معتقد بود امام زمان علیه السلام با بدنی غیر عنصری و تنها هورقلیایی و در شهر جابلقا و جابلسا زندگی می‌کند.

با بررسی اعتقادات این جریان فکری، گویای بطلان آن نزد علمای امامیه است و طبق نصوص قطعی، مهدی موعود علیه السلام در همین عالم خاکی و در بدن عنصری است و به زندگی طبیعی خود به حفظ الهی، ادامه حیات می‌دهد؛ تا آنکه مشیت خداوند بر قیام و ظهور او تعلق گیرد.

در حقیقت، اعتقاد به حیات امام زمان علیه السلام با بدن هورقلیایی، به معنای انکار حیات مادی امام زمان علیه السلام بر روی این زمین است. و حیات او مثل حیات مردگان، در عالم برزخ است که هیچ مبنای روایی و مستند دینی نداشته، با روایات معروف و اصیلی که استمرار زندگی زمین و هستی را منوط به حضور حجت خدا در آن می‌داند<sup>۱</sup> به هیچ روی، سازگار نیست.

همچنین در روایت دیگری که کیفیت حضور ایشان در عصر غیبت را توضیح می‌دهد، چنین آمده است:

صاحب الامر، میان مردم رفت و آمد می‌کند، به

---

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۷۹، باب ان الارض لاتخلو من حجة، چهار روایت پایانی اشاره به همین مضمون دارد.

بازارهایشان می‌رود و بر فرش‌هایشان قدم می‌نهد؛ ولی او را نمی‌شناسند.<sup>۱</sup>

### ۳-۲. برداشت انحرافی از مفهوم انتظار

از مفاهیمی که برداشت‌های مختلفی از آن در ادبیات و آموزه‌های مهدوی مطرح شده است، انتظار ظهور و فرج مهدی عج است. به واسطه همین تعدد برداشت‌ها و اختلاف تفاسیر، امکان بروز آسیب دیگری برای افراد و جامعه منتظر به وجود می‌آید که در آن، مفهوم انتظار از معنای اصلی خود تهی شده و معنای دیگری درک و فهم می‌گردد.

انتظار، از یک سو به معنای چشم به راه بودن، امید به آینده داشتن و آماده شدن است و از سوی دیگر به درنگ در امور، نگهبانی و مراقب بودن و استقامت ورزیدن اشاره دارد؛ به عبارت دیگر، انتظار<sup>۲</sup> در وجهی از معنای خود به توقف، تلؤم و تلثث می‌رسد و با مهمل‌گذاردن، مترادف می‌گردد و در وجه دیگری از معنا به تهيأ، توقع، تجهیز و

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۶۴.

۲. التَّنَظُّرُ: تَوَقُّعُ الشَّيْءِ - ابن سیده: وَ التَّنَظُّرُ تَوَقُّعُ مَا تَنْتَظِرُهُ.  
(لسان العرب، ج ۵، ص ۲۱۸)

آماده‌باش دلالت می‌کند. این دو معنا، در روایات نیز به چشم می‌خورند.

دسته‌ای دیگر از روایات به جست و جوی امر ظهور و توقع آن در نزدیکی اشاره داشته و شیعیان را به توقع امر فرج ترغیب می‌کند. نیز آنان را از بی‌توجهی و بی‌مبالاتی در باره امر ظهور و آمادگی نسبت به آن برحذر داشته و این امر را مورد غضب خداوند تلقی کرده‌اند.<sup>۱</sup>

دو معنای سلبی و ایجابی درباره انتظار، به دو گونه تفسیر و برداشت از آن انجامیده است که بیش از بعد فردی، به ایجاد تفاوت‌هایی در ابعاد اجتماعی انتظار انجامیده است.

گروهی که انتظار را به معنای صبر و تحمل روزگار غیبت دانسته، روی خوشی به حرکت‌های اصلاحی و ایجابی نشان نمی‌دهند، با تمسک به روایاتی که بر افراشته شدن هرگونه قیام و پرچمی را قبل از ظهور امام محکوم و باطل می‌دانند و<sup>۲</sup> تلاش برای برپایی حکومت اسلامی در عصر غیبت را

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۴.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۱۵.

برنتافته، این مسأله را جزء شؤون امام می‌دانند و به زمان ظهور ایشان موکول می‌کنند.

آنچه در این رابطه از روایات اسلامی برداشت می‌شود، گویای آن است که انتظار، یک عمل و یک اقدام است: «أفضل أعمال شیعتنا انتظار الفرج»<sup>۱</sup> و صرفاً به یک حالت روحی و روانی محدود نمی‌شود؛ از این رو فروکاستن انتظار به وضعیتی منفعلانه که با نفی هر گونه اصلاح و تغییر همراه باشد، با روح این آموزه که می‌باید در عمل محقق شود، منافات دارد.

سنت‌های الهی و تجربه‌های امت‌های پیشین در رابطه با انتظار موعود، گویای آن است که در صورت تسلیم اراده مؤمنان و منتظران برابر خواست خدا و استقبال از آن، امر ظهور، نزدیک‌تر شده و شدت و محنت غیبت از بین می‌رود.<sup>۲</sup>

از این رو درمسأله انتظار، روایاتی که به تأمل، صبر و اعراض از امور ایجابی اشاره

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۷.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۲۴.

دارند، در مقام انذار و هشدار درباره اراده الهی هستند. در طرف مقابل، دسته‌ای دیگر از روایات که به توقع و تهیاً و زمینه‌سازی مربوط می‌شوند و بر ابعاد ایجابی انتظار تأکید می‌کنند، به حوزه اراده انسانی مربوط می‌شوند و گویای این مهم هستند که خواست خداوند بر غیبت امام تعلق گرفته است؛ اما انسان‌های مؤمن می‌باید با حفظ اعتقاد صحیح خود و رعایت ورع، به انجام واجبات و ترک محرمات فردی و اجتماعی بپردازند و از زیر بار این مسؤولیت بزرگ شانه خالی نکنند.

همچنین درباره روایاتی که به نهی از قیام قبل از ظهور امام، اشاره می‌کنند، با مطالعه روایت: «کل رایه ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت»<sup>۱</sup> مشخص می‌شود که منظور، پرچم‌ها و قیام‌هایی است که ادعای امامت و مهدویت دارند، نه آن‌ها که به زمینه‌سازی برای ظهور و حکومت معصوم دعوت می‌کنند؛<sup>۲</sup>

---

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۱.

۲. برای مثال، فصل پنجم از کتاب غیبت نعمانی تحت عنوان «باب ما روی فیمن ادعی الإمامة و من زعم أنه إمام و...

## ۴-۲. آمیختگی نشانه‌های ظهور با شرایط ظهور

ظهور امام مهدی عجته شرایط و نشانه‌هایی دارد که از آن‌ها به عنوان زمینه‌های ظهور و علایم آن یاد می‌شود. تفاوت این دو آن است که زمینه‌ها در تحقق ظهور، تأثیر واقعی دارند؛ به گونه‌ای که با فراهم شدن آن‌ها، ظهور امام اتفاق می‌افتد؛ ولی علایم در وقوع ظهور نقشی ندارند؛ بلکه تنها نشانه‌هایی هستند که به وسیله آن‌ها می‌توان به اصل ظهور یا نزدیک شدن آن پی برد.

یکی از آسیب‌های فکری در جامعه منتظر، خلط میان این دو مقوله است؛ یعنی امت منتظر دچار برداشت غلط می‌شوند و به جای فراهم کردن شرایط و زمینه‌های ظهور، به دنبال پی‌گیری علایم ظهور می‌باشند، درحالی‌که بر اساس تعالیم قرآن و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، سنت الهی بر این قرار گرفته که امور عالم از مجرای طبیعی و علل و



لیس یا امام و آن کل رایة ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت» باب بندی شده است و در ضمن روایاتی که به مجازات مدعیان دروغین امامت اشاره می‌کند، روایات مربوط به برافراشتن پرچم‌ها قبل از قیام قائم نیز آورده می‌شود.

اسباب عادی انجام گیرد.<sup>۱</sup>

بنا براین جامعه منتظر باید زمینه‌های ظهور را بشناسد و در راه تحقق آن، گام بر دارد؛ نه این‌که وقت خود را صرف پیدا کردن تعدادی از حوادث کند؛ مانند: خروج سفیانی، خسف بیداء، خروج یمانی، صیحه آسمانی، دجال، قتل نفس زکیه که هیچ نقشی در وقوع ظهور ندارند؛ لذا میان شرایط و علایم، فرق‌های زیادی وجود دارد.

۵-۲. زمینه‌سازی از راه گسترش ظلم و فساد در ادامه برداشت غلط از مفهوم انتظار، شبهه دیگری امکان بروز می‌یابد که ناشی از همان بی‌دقتی و انحراف از اصل انتظار است؛ این گزاره که «ظهور امام موعود با اصلاح جهان از فسادها و ظلم‌ها همراه خواهد بود و پایان این تباهی‌ها و نابهنجاری‌ها به دست ایشان رقم خواهد خورد» سبب شده است برخی گمان برند، قبل از ظهور ایشان هر تلاش و کوششی برای اصلاح امور بی‌نتیجه

---

۱. امام صادق ع فرمودند: «یأبى الله الا ان تجرى الامور باسبابها» خداوند امتناع دارد. از اینکه امور اجز از راه اسباب آن فراهم آورد. «شرح اصول کافی، ج ۳، ص ۱۷۸.

بوده و نسبت به این‌گونه مسایل حساسیتی ابراز ندارند. این بی‌توجهی سبب به وجود آمدن این ذهنیت شده که منتظران ظهور امام برابر تباهی‌ها و ناهنجاری‌های پیش‌آمده در عصر غیبت و فتنه‌های آخرالزمان، وظیفه‌ای ندارند و این رویه تا آنجا ادامه یافته که شایعه‌ای مبنی بر ترغیب به ترویج بدی‌ها و زشتی‌ها، برای ایجاد زمینه ظهور موعود، از سوی عده‌ای افراد جاهل و منحرف شنیده شده است.

در واقع، اینکه ظهور حضرت پس از پرشدن دنیا از ظلم و جور است، با عملکرد منتظران ارتباط منطقی ندارد و به نظر می‌رسد نوعی مغالطه در این میان به وجود آمده است؛ به عبارت دیگر ظهور حضرت پس از پرشدن عالم از ظلم و جور است؛ اما عکس این گزاره صحیح نیست و نمی‌توان معتقد شد راه تحقق ظهور امام، گسترش ظلم و جور می‌باشد و بر این اساس با ترویج ظلم و فساد، به استقبال ظهور شتافت.

بر این اساس، تفسیری که درباره بی‌تفاوتی در میان شیوع ظلم و فساد و یا کمک به ترویج آن شکل گرفته است، از این

پندار ناشی شده که شیوع ظلم، علتِ ظهور و نه نشانه آن است؛ حال آنکه علتِ ظهور به فراهم شدن مقدمات و از بین رفتن موانع این واقعه مبارک مربوط می‌شود و به طور کلی در اختیار و در گرو ارادهٔ پروردگار است.

برای توضیح تفاوت نشانه‌ها و شرایط (علل) ظهور امام مهدی علیه السلام، می‌توان از یک تمثیل بهره برد. فرض کنید در یک ایستگاه قطار، تابلویی درست کرده‌اند که چند دقیقه قبل از ورود هر قطار به ایستگاه، آمدن آن را اعلام می‌کند و البته بعد از این اعلام، قطار به ایستگاه وارد می‌شود. این اعلام، علامت آمدن قطار است و نه علت آمدن آن و اگر ما بخواهیم به آمدن قطار کمک کنیم، باید به موتور محرک آن و از بین بردن موانعی که در مسیر آن وجود دارد و نه به دست‌کاری کردن در تابلوی مذکور بیندیشیم.

دیگر اینکه بر فرض، ظهور امام از طریق گسترش ظلم و فساد، اولاً چه تفاوتی میان به اصطلاح منتظران و افراد آلوده به معاصی و مظالم وجود خواهد داشت؟ و ثانیاً امام با افرادی که در سیاهی‌ها و ظلمت‌های عصر غیبت مشارکت جسته‌اند، چگونه برخورد خواهد کرد؟

آموزه‌های قرآنی بر این مطلب اشاره دارند که جریان مقابله با ظلم و طاغوت می‌باید توسط خود انسان‌ها انجام پذیرد. «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>۱</sup> و این آن‌ها هستند که باید برابر ظلم بایستند؛ ولی جریان اصلاح نهایی و ریشه‌ای و فراگیر ظلم و ستم در هستی، تنها به دست امام موعود علیه السلام محقق خواهد شد.

#### ۶-۲. توقیت

از آسیب‌هایی که به طور جدی افراد و جوامع منتظر را تهدید می‌کند و صریحاً در روایات اهل بیت علیهم السلام به آن اشاره شده، «توقیت» است. این مفهوم از نظر لغوی به معنای مشخص کردن زمان و محدود نمودن آن برای یک شیء می‌باشد<sup>۲</sup> و در اصطلاح به تعیین زمان ظهور امام غایب گفته می‌شود.

۱. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ. (سوره حدید (۵۷): ۲۵).

۲. فَالتَّوْقِيتُ وَالتَّاقِيتُ: أَنْ يُجْعَلَ لِلشَّيْءِ وَقْتُ يَخْتَضُّ بِهِ، وَهُوَ بَيَانُ مَقْدَارِ الْمُدَّةِ. (لسان العرب، ج ۲، ص ۱۰۷) — وَ التَّوْقِيتُ: تَحْدِيدُ الْأَوْقَاتِ. (لسان العرب، ج ۲، ص ۱۰۸).

پیش‌تر گفتیم که زمان ظهور امام مشخص نیست و علم آن تنها در اختیار خداوند متعال است. آسیبی که در مسأله توقیت نهفته است، همچون برداشت انحرافی از انتظار، به خلط و دخالت اراده الهی و اراده انسانی مربوط می‌شود. در واقع، همان گونه که رقم خوردن وضعیت غیبت به اراده الهی مربوط می‌شود هنگامه قیام و ظهور حضرت صاحب‌الزمان نیز تنها بر اساس اراده الهی مشخص شده و به صورت ناگهانی و دفعی به وقوع خواهد پیوست.<sup>۱</sup>

بی‌زمانی و دفعی بودن زمان ظهور، به طور صریح در روایات ذکر شده است که در قالب انتظار صبح و شام از آن یاد شده<sup>۲</sup> است. نیز در ادعیه‌ای که در باب فرج و انتظار موعود وارد شده، به مانند هنگامه قیامت و مشابه با

---

۱. قابل توجه است که در روایات معصومان این چنین آمده که زمان وقوع امر فرج برای امامان معلوم بوده است که با تغییر آن و حصول بداء در این باره، زمان دیگری برای ایشان مشخص نشده و علم آن تنها در اختیار خداوند است. (کافی، ج ۱، ص ۳۶۸).

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۵۹.

آن، اشاره شده است.<sup>۱</sup> در این راستا، واکنش صحیح این است که برابر اراده الهی تسلیم بوده و به جای سعی در دخالت و تغییر مقدرات پروردگار به وظایف خود مشغول شد و در مسیر فهم و به کار بستن اوامر و دستورات خداوند قرار گرفت.

هنگامی که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام در باره قائم سوال می‌کند، امام در پاسخ می‌فرماید:

تعیین‌کنندگان وقت دروغگو هستند و ما خاندانی هستیم که تعیین وقت نمی‌کنیم.<sup>۲</sup>  
علاوه بر این، معصومان علیهم السلام امر فرموده‌اند که هر کس چنین نسبتی به آنان روا داشت، تکذیب شود.<sup>۳</sup> ایشان ضمن خودداری از تعیین وقت، امر ظهور را موکول به زمانی دانسته‌اند که نشانه‌هایی پدیدار شود و از این رو باب توقیت و تحدید زمان را بسته‌اند.<sup>۴</sup>

۱. مصباح کفعمی، ص ۱۷۷.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۶۸.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۸۹.

۴. غیبت نعمانی، ص ۲۹۰.

در نگاهی دیگر اساساً توقیت، هیچ‌گاه به نتیجه نخواهد رسید؛ چرا که تعیین کنندگان وقت ظهور، سعی در مشارکت در علم الهی را دارند. از سوی دیگر، خداوند از طریق تغییر در زمان‌هایی که توسط مردم مشخص می‌شوند و توقع وقوع امر پروردگار در آن‌ها بیشتر است، به آزمایش ایشان می‌پردازد و زمان تعیین شده را تغییر می‌دهد.<sup>۱</sup>

در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: هنگامی که حضرت موسی علیه السلام برای پیغام بردن نزد پروردگار خود رفت، قوم خود را به سی روز وعده داد و چون خداوند ده روز بر این ایام افزود، قوم او گفتند: «موسی با ما خلف وعده کرد» و از این رو به انحراف گراییدند. پس از ذکر این مطلب، امام باقر علیه السلام فرمود:

اگر ما به شما خبری دادیم و طبق گفته ما شد،  
بگویید خدا راست فرموده است و اگر به شما

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۶۸؛ غیبت نعمانی، ص ۲۹۰.

بر این اساس بداء صورت می‌گیرد و زمان واقعی یک امر به آگاهی بندگان نمی‌رسد تا با رسیدن به آن زمان و عدم وقوع آن امر، مردمان آزمایش شده و مؤمنان از کافران جدا شوند.

خبری گفتیم و برخلاف گفته ما واقع شد،  
 بگویند خدا راست فرموده تا دو پاداش گیرید.<sup>۱</sup>  
 مشاهده می‌شود که امام معصوم، ضمن  
 این بیان به اراده الهی و نحوه رویارویی با  
 انکشاف این اراده، اشاره فرموده‌اند.

توقیت در زمان غیبت امام غایب هیچ  
 ثمره مفیدی نخواهد داشت و در نهایت به  
 هلاکت شخص وقت گذار منتهی می‌شود و با  
 گذشت زمان، تکذیب آنان را همراه خواهد  
 داشت. در روایات نیز آمده است غیبت، به  
 حیرت جاهلان، هلاکت مبطلان و تکذیب  
 وقاتون می‌انجامد.<sup>۲</sup>

کمترین اثر توقیت، بروز احساس ناامیدی  
 برای کسانی است که این وعده‌های دروغین  
 را باور کرده ولی خلاف آن را مشاهده  
 کرده‌اند.

## ۷-۲. تطبیق

تطبیق یعنی مطابقت دادن نشانه‌های  
 ظهور بر وضعیت هر زمان؛ به این معنا که

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۶۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰.

عده‌ای با خواندن یا شنیدن چند روایت در علایم ظهور، آن‌ها را بر افراد یا حوادثی خاص تطبیق می‌دهند، بدون تشخیص صحیح بودن آن‌ها و بدون بررسی آیات و روایات دیگر. با اینکه در روایات، تشخیص نشانه‌ها و علایم سپاه حق و باطل، به عهده علمای راستین گذاشته شده است؛ همان‌ها که در عصر غیبت کبرا به عنوان نواب عام، عهده دار امور گشتند.

متأسفانه در زمان ما، هر از چند گاه، به بهانه ایجاد شوق ظهور، موجی انحرافی فضای فکری و رفتاری مردم را دچار تشویش کرده، با ایجاد برخی انتظارات و توقعات کاذب، آسیب جدی به جامعه منتظر می‌زند.

مباحث مهدویت، مانند دیگر معارف دینی، از پشتوانه عقلی و نقلی برخوردار است و کسی در نقل روایات حق ندارد بدون توجه به ضعف سند و اشکال در محتوا و متن حدیث، آن را دستمایه حرف‌های خود قرار داده و نشانه‌های ظهور را [بدون در نظر گرفتن نشانه‌های حتمی و غیر حتمی] بر افراد مختلف و حوادث زمان تطبیق دهد.

به نقل روزنامه جمهوری اسلامی، کتاب

دهه ظهور در سه هزار نسخه در سال ۸۴ ش نوشته شده و مجوز چاپ می‌گیرد. در آن کتاب، سید حسنی، سید خراسانی، یمانی و سفیانی بر افراد مختلف تطبیق داده می‌شود و گفته می‌شود که تا پایان دهه (۸۰) امام ظهور خواهد کرد. دهه ۸۰ به پایان رسید و دهه ۹۰ شروع شده است. اکنون نویسندۀ آن کتاب چه پاسخی برای مردم دارد؟ تکلیف باورها و اعتقادات مردم چه می‌شود؟ شخص دیگری در تریبون عمومی به صراحت به مردم خطاب می‌کند: «شما را به خدا قسم! وقتی خدمت آقا مشرف می‌شوید سلام ما را هم به ایشان برسانید». این، مصداق بارز جنگ نرم است؛ جنگ نرم، جنگی است که ریشه اعتقادات را سست می‌کند و مقوله مهم و بزرگ و سرنوشت سازی مانند اعتقاد به وجود مبارک امام زمان علیه السلام را تا این اندازه کوچک و سست جلوه می‌دهد و راه را برای دشمنان دین باز می‌کند.<sup>۱</sup>

بار دیگر فیلم یک ساعت وپانزده دقیقه‌ای

---

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۹۱۵۵، سال سی و دوم، شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۰. سرمقاله «جنگ نرم این است».

تهیه می‌شود و به صورت لوح فشرده در سطح کشور پخش می‌گردد و برای اثبات اینکه در چند سال آینده ظهور اتفاق می‌افتد، نشانه‌های ظهور را بر افرادی تطبیق می‌کند؛ برای مثال، شعیب بن صالح را در این فیلم، به فردی منطبق می‌کند که قبل از این در طی سی سال بعد از انقلاب اسلامی ایران، بر سه نفر تطبیق داده شده است و معلوم نیست در آینده به چه اشخاصی نسبت داده خواهد شد، در صورتی که درباره شعیب بن صالح که به عنوان نشانه ظهور مطرح شده است، حتی یک روایت صحیح و قابل اعتماد به صورت تفصیلی نداریم. آیا طرح این‌گونه سخنان و مباحث غیر ضروری، باعث ناامیدی و بی‌اعتمادی مردم نمی‌شود؟ تطبیق به عنوان قطع و یقین مشکل است. ما اصولاً منتظر امام هستیم، نه منتظر علامات؛ به خصوص اگر از علایم و نشانه‌های غیر حتمی باشد (یعنی امکان عدم وقوع آن باشد). به یقین این اتفاقات، مصداق بارز حوادث واقع است که طبق دستور امام زمان علیه السلام باید به علما و مراجع رجوع کرد. نظر مبارک آنان، ملاک عمل است و علما هم به اجماع، این‌گونه

مسائل تطبیقی را برای امت اسلام خطری بزرگ دانسته‌اند.

روایاتی که فرمان می‌دهند مردم در امور گوناگون باید به فقها رجوع کنند، بیانگر این راهکارند که در بارهٔ علایم و اشخاص بیان شده در روایات، باید به آنان مراجعه کرد و از تطبیق ناصواب دوری جست.

تطبیق، پیامدهایی چون توقیت و تعجیل دارد. همچنین به دلیل عدم تحقق تطبیق-های مطرح شده، باعث بی‌اعتقادی افراد به اصل ظهور می‌گردد و افراد، در اصل ظهور و روایات، به شک و تردید می‌افتند. ریشه‌ها و زمینه‌های این آسیب، توهم زدگی، هوا و هوس، دخالت افراد غیر متخصص در مسائل فنی، عدم روشنگری کافی توسط علما، عدم تبیین علایم حتمی و نداشتن واکنش مناسب در مقابل مدعیان می‌باشد.

## ۸-۲. طرح مباحث غیرضروری

از آسیب‌هایی که ممکن است جریان آموزش و ترویج معارف دینی و به طور خاص، آموزه‌های مهدوی را تحت تأثیر قرار دهد، طرح مباحث و جزئیات غیرضروری و اصرار بر پی‌جویی آنان است، که پیگیری آنها نه تنها

سودی نداشته بلکه ممکن است به سبب ائتلاف وقت آسیب‌زا باشد.<sup>۱</sup>

برای نمونه، پرداختن به مباحثی چون مکان دقیق زندگی امام در عصر غیبت، جزئیات مربوط به ازدواج و خانواده ایشان، و پیگیری جزئیات مربوط به سلاح و ادوات جنگی و شکل و شمایل یاران و دشمنان ایشان و مسایلی از این قبیل، فرهنگ انتظار را از روح اصلی خود که بر اساس معرفت امام و اراده الهی در هدایت تاریخی بشر شکل گرفته است، جدا می‌سازد.

دامن زدن به چنین مباحثی، باعث می‌شود آموزه‌های اصلی فرهنگ مهدوی، رفته‌رفته در حاشیه قرار گرفته و به سبب جذابیت کاذبی که این مسایل به وجود می‌آورد، آسیب‌ها و انحرافات در سطح جامعه منتظر ایجاد شود. حال آنکه در هیچ روایتی از معصومان علیهم‌السلام به شناخت این مسایل و اصرار در پرداختن به آن‌ها اشاره نشده است و بر عکس به لزوم کسب معرفت به امام و ارتقای بصیرت در برابر فتنه‌ها و شرایطی که

۱. نهج البلاغه، ص ۳۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۹.

در زمان غیبت به وجود آمده، تأکید شده است.

## ۹-۲. کوتاهی متولیان در ارائه معارف

ناکامی بشر، از نابالغی او سرچشمه می‌گیرد و از آن جایی که «لَمْ يُمَثَّلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مِنَ الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ»<sup>۱</sup> دستور رسول خدا ﷺ را درباره‌ی جانشینانش، یکی پس از دیگری پیروی نکردند. بلکه «وَالْأُمَّةُ مُصَرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ»<sup>۲</sup> و امت به دشمنی با آنان پافشاری ورزیدند. با نگاهی گذرا به مجموع روایات، چالش‌های چهارگانه «فترت»، «حیرت»، «فتنه» و «یأس» را در عصر غیبت می‌توان به تأمل و دقت کشانید.

عالمان در عصر غیبت با «دعوت» خویش به مصاف «فترت» می‌روند و در حد و اندازه خود آن را پوشش می‌دهند و با «دلالت» خویش به مصاف «حیرت‌ها» می‌روند و حیرت‌زدایی می‌کنند و با «ذبّ و دفاع» به مصاف فتنه‌ها می‌روند و گره‌های کور آن را از

۱. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۲. همان.

ذهن، دل و دست و پای مردم می‌گشایند، تا امواج طوفان فتنه‌ها ایشان را در شهوات و شبهات فرو نبرند، و با «انقاذ و نجات» خویش به مصاف «یأس» می‌روند تا آن‌ها را از قعر هلاکت برهانند.

لذا وظیفه عالمان در عصر غیبت، ترویج و توسعه معارف مهدویت و گل‌واژه انتظار است. ضعف و ناکارآمدی روش‌های انتقال پیام و عدم بهره‌گیری از ابزارهای نوین ارتباطی و اطلاع‌رسانی در جهت فرهنگ‌سازی مهدویت می‌تواند در جایگاه یک آسیب، حیات پویای جامعه منتظر را تحت تأثیر قرار دهد؛ از این رو شایسته است متولیان امر شناخت و ترویج فرهنگ مهدوی در این زمینه نیز کوشا بوده، به نوآوری و اصلاح روش‌های گذشته بپردازند.

### ۳. آسیب‌های رفتاری

۳-۱. ایجاد هرج و مرج و بروز اختلافات شدید  
عصر غیبت، آنچنان که در روایات اشاره شده است، سرشار از حیرت و سرگردانی است. دلیل عمده این وضعیت به عدم ظهور امام و محرومیت شیعیان از این برکت باز می‌گردد؛

سختی آزمون غیبت و عمق فتنه‌هایی که در آن رقم می‌خورد، در روایات مورد اشاره قرار گرفته است. امیرالمؤمنین علیه السلام در ذکری از امام موعود، از آزمونی دشوار و رخدادی غمبار خبر می‌دهد که در آن، اعتقاد مردمان به امام عصر علیه السلام به مخاطره می‌افتد؛ آن حضرت می‌فرماید:

آگاه باشید،... خداوند حتماً مردی از فرزندان مرا در آخرالزمان برمی‌انگیزد که انتقام خون ما را می‌ستاند. بی‌تردید او از میان مردم غایب می‌شود؛ برای آنکه گمراهان از صف راه‌یافتگان جدا شوند و این غیبت آن چنان به درازا می‌کشد که فرد نادان به این باور می‌رسد که می‌گوید خداوند [در برپایی دین و استواری آیین] هیچ حاجتی به آل محمد ندارد.<sup>۱</sup>

حیرت و سرگشتگی ناشی از غیبت، به اختلاف و چندپارگی اعتقادات و مذاهب فکری منتج می‌شود.

این وضعیت ریشه در امتحان و آزمونی دارد که در نتیجه، افراد نیک و بد از یک دیگر جدا شده تا منتظرانی که به راستی در

۱. «همان»، ص ۱۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۱۲.

مسیر صحیح انتظار قرار گرفته‌اند از دیگران متمایز گردند.

در روایتی آمده است: «ممکن است انسان در فاصله صبح تا شام یا شب تا بامداد، دین خود را از دست بدهد و از مسیر امر معصوم خارج شود.»<sup>۱</sup> با این توضیح به نظر می‌رسد شناخت چنین وضعیتی و تلاش برای دور ماندن از آسیب‌های آن، امر مهمی در حیات جامعه منتظر به شمار آید.

## ۲-۳. استعجال

از آسیب‌های جدی دیگر که متوجه جامعه منتظر است، استعجال ظهور می‌باشد. استعجال از ریشه «عجل» و به معنای عجله کردن و خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت و تحقق زمینه‌های لازم برای آن است.<sup>۲</sup> انسان‌های عجول به دلیل ضعف نفس و کم ظرفیت بودن، متانت و سکون و آرامش خود

۱. همان، ص ۲۰۷.

۲. عجل: العَجَلُ و العَجَلَة: السرعة خلاف البُطء. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۲۵ - الاستِعْجال و الإِعْجال و التَّعَجُّل واحد: بمعنى الاستِخْتِاث و طَلَب العَجَلَة. استعجلته: طلبت عجلته. (مجمع البحرین، ج ۵، ص ۴۱۹).

را از دست می‌دهند و بدون در نظر گرفتن شرایط، خواهان تحقق پدیده‌ها هستند.

در فرهنگ ناب مهدویت، انسان و جامعه منتظر، پیوسته در طلب ظهور است و با تمام وجود و اشتیاق خواستار ظهور است و برای تعجیل امر فرج دعا می‌کند؛ ولی هرگز عجله نمی‌کند. هر چه غیبت به درازا کشد و انتظار، طولانی شود باز هم صبر و شکیبایی را از کف نمی‌دهد؛ بلکه در برابر اراده پروردگار و خواست او، کمال تسلیم را از خود نشان می‌دهد و برای تحقق همه زمینه‌های لازم برای ظهور می‌کوشد و بردباری می‌کند.

در مقابل، ممکن است عده‌ای درصدد استعجال برآمده و بی‌توجه به اراده الهی و مصالح بزرگ تاریخی و جهانی که ظهور موعود به آن‌ها نظر دارد، خواستار ظهور آن حضرت باشند. نتیجه قطعی چنین رویکردی، بدون شک هلاکت و اضمحلال است. آن چنانکه در روایات اسلامی آمده است، مَثْمُنُونَ و کسانی که در مورد امر خداوند استعجال می‌ورزند و برابر اراده الهی تسلیم نیستند، پیش از آنکه به مطلوب خود راه یابند و ظهور را درک کنند، هلاک می‌شوند. در مقابل،

آن‌ها که اهل صبر و تسلیم بوده و به مرتبه ایمان راه یافته‌اند - هرچند گروه کمی را شامل می‌شوند - پایدار می‌مانند.<sup>۱</sup> از این رو استعجال به عنوان یکی از آسیب‌های جامعه منتظر، در روایات معصومین علیهم‌السلام مورد نكوهش و تقبیح قرار گرفته است.

امام صادق علیه‌السلام در پاسخ مهزم اسدی که از زمان وقوع امر ظهور پرسیده بود فرمودند:

ای مهزم! آرزوگرایان، دروغ می‌گویند و آنان که استعجال می‌ورزند هلاک می‌شوند و تسلیم شوندگان نجات می‌یابند و به سوی ما باز می‌گردند.<sup>۲</sup>

نهی از عجله و شتاب زدگی در امر ظهور به آن دلیل است که به دنبال عجله، روحیه یأس و نومیدی در انسان منتظر پیدا می‌شود، آرامش و صبوری را از دست می‌دهد و حالت تسلیم او به حالت گله مندی و شکایت تبدیل می‌شود و از تأخیر ظهور، بی‌قرار می‌گردد.

امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه: **آتَى أَمْرُ اللَّهِ**

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۹۶.

۲. همان، ص ۹۸.

فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ<sup>۱</sup>؛ «هان امر خدا رسید، پس در آن شتاب مکنید» که حاکی از سنتی الهی است، فرمود: «این همان امر موعود ماست که به استعجال در نمی‌آید».<sup>۲</sup>

روایات دیگری به راه نجات از استعجال نیز اشاره کرده‌است. مضمون کلی این روایات، به روح انتظار و ارزش و فضیلت آن باز می‌گردد. امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که در این انتظار و بر مسیر آن بمیرد، مانند کسی است که در خیمه امام منتظر بوده باشد.<sup>۳</sup>

### ۳-۳. ظهور مدعیان دروغین

در زمینه‌ای که حیرت و سرگشتگی ناشی از غیبت امام آشکار می‌شود و جغرافیای فکری و فرهنگی، جوامع مسلمانان را در برمی‌گیرد، زمینه سوءاستفاده برخی افراد سودجو و کم‌اطلاع فراهم آمده تا با دعوی امامت و مهدویت، افکار و گرایش‌های پاک مذهبی مردم را به سوی خود جلب کنند و

۱. سوره نحل (۱۶): آیه ۱.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۹۸.

۳. همان.

چند زمانی بر مسیر اهداف و مطامع خود پیش روند؛ از این رو شاید بتوان آسیب عمده دیگر جامعه منتظر را گرفتاری در دام مدعیان دروغین مهدویت دانست.

تاریخ اسلام نشانگر آن است که افراد بسیاری به دلیل دستیابی به قدرت و یا به دلیل هدف شخصی خاصی از عنوان مقدس مهدی موعود علیه السلام سوء استفاده کرده‌اند. این سوء استفاده از همان قرن اول هجرت آغاز شد و در دوره خلافت عباسیان - از سال ۱۳۲ هجری قمری به بعد - به اوج خود رسید. البته این موضوع نه تنها به اصل مطلب و قیام با شکوه حضرت مهدی علیه السلام آسیبی نمی‌رساند؛ بلکه بیانگر اصالت و واقعیت و ریشه‌داری آن در سنت و آموزه‌های اسلامی است.

جدای از برخی نهضت‌های جهان اسلام که جنبه حق‌طلبی داشته و ربطی به مسأله آسیب‌های اجتماعی سیاسی ندارد - مانند زید بن علی بن حسین علیه السلام که خود ادعایی نداشت اما پیروان او وی را منجی موعود خواندند و پیروان مختار بن ابی عبیده

ثقفی هم وی را منجی خواندند و همینطور، مهدویت را به محمد بن حنفیه نسبت دادند و مختار را نایب او معرفی کردند - نوعی از نهضت‌ها با نام مهدویت پدید آمده‌اند. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نهضت‌های محمد نفس‌زکیه، مهدی عباسی (عباسیان)، عبدالله بن میمون، عبیدالله المهدی (فاطمیون)، حسن شریعی، محمد بن نصیر نمیری، احمد بن هلال عبرتائی، محمد بن علی بن بلال، حسین بن منصور حلاج، محمد بن علی شلمغانی، ابودلف کاتب، محمد بن احمد بغدادی، محمد بن عبدالله تومرت (موحدون)، شیخ شرف‌الدین (قیام مردم فارس)، سیدمحمد مشعشع (قیام خوزستان)، محمد مهدی سنوسی، محمد احمد سودانی، (مهدیون سودان، محمد بن احمد بن عبدالله سودانی). غلام احمد قادیانی (قادیانیه، احمدیه)، سیدعلی شیرازی (بابیت)، میرزا حسینعلی بهاء (بهایگری)، مهدی گُرد و محمد بن عبدالله قحطانی (عربستان) اشاره کرد.

روایات، هرگونه ادعای دروغین مربوط به امامت را محکوم کرده و بنا به مستندات

قرآنی، مجازات سختی برای این امر در نظر گرفته‌اند. در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر آیه شصت از سوره زمر آمده است که:

مقصود از این افراد دروغ‌گو، کسی است که گمان برده امام است و حال آنکه چنین نیست.<sup>۱</sup> بخش دیگری از روایات که به زمان غیبت مربوط می‌شوند، ظهور هرگونه ادعا مبنی بر امامت و مهدویت را غیرمشروع خوانده و صاحبان این حرکات‌ها را مشرک یا کافر نامیده‌است.

توقیع شریفی است که امام عصر علیه السلام در پایان عصر غیبت صغرا به آخرین نائب خود ارسال داشته‌اند. می‌فرماید:

کسانی از پیروان ما خواهند آمد که مدعی مشاهده می‌شوند، آگاه باشید که هر کس پیش از خروج سفیانی و وقوع صیحه آسمانی ادعای مشاهده کند، دروغگو و افترا زننده است.<sup>۲</sup>

#### ۴-۳. ملاقات‌گرایی

درباره امکان و مطلوبیت دیدار با امام موعود در زمان غیبت کبرا، دو گرایش افراطی

۱. همان، ص ۱۱۲.

۲. غیبت طوسی، ص ۳۹۶.

و تفریطی وجود دارد که هردو نگاه - چه از جهت اعتقادی و چه از جهت آثار عملی - به بروز مجموعه‌ای از آسیب‌ها می‌انجامد. گرایش افراطی بر این باور است که دیدار امام، شرط لازم ارتباط با حضرت در زمان غیبت می‌باشد. بنابراین همه کمالات دیگر به نوعی فرع و شاخه این امر تلقی می‌شود و منتظران ظهور هم بیش از هر چیز به این امر تشویق و ترغیب گردند.

در این گرایش، ملاقات با امام غایب علیه السلام امر بسیار رایج و عادی و برای هرکس در هر شرایطی ممکن و آسان دانسته شده و باعث علاقه و محبت عموم مردم به وجود مقدس امام زمان علیه السلام می‌شود. از این رو با نیت خیر و به قصد محبوب کردن بیشتر آن حضرت، باید باب امکان ملاقات با ایشان را بسیار گسترده و سهل دانست تا شوق لقاء امام همگانی شود. و اگر کسی با این نیت مقدس، ماجرای هرچند ساختگی و دروغ درباره ملاقات با امام عصر علیه السلام برای مردم نقل کند، کار اشتباهی نکرده؛ بلکه به دلیل ایجاد شوق و محبت حضرت در دل‌های ایشان، مستحق

حق‌شناسی و سپاس‌گزاری نیز می‌باشد!  
 در برابر این تفکر افراطی، بینش دیگری  
 وجود دارد که در باره گرایش به دیدار امام  
 عصر علیه السلام دچار تفریط شده‌اند. اعتراض این  
 گروه این است که با سهل‌انگاشتن دیدار امام  
 در زمان غیبت، مهدویت و اعتقاد به امام به  
 سطحی نازل سقوط می‌کند و زمینه بروز  
 مدعیان دروغین در مسیر ملاقات‌گرایی به  
 وجود می‌آید.

آن‌گونه که پیش‌تر گذشت امام زمان علیه السلام  
 در ضمن بیان فرا رسیدن غیبت تام، ادعای  
 هرگونه مشاهده توسط افراد را کذب و افترا  
 خوانده‌اند: «ألا فمن ادعى المشاهدة قبل خروج  
 السفیانی و الصیحة فهو کذاب مفتر»<sup>۱</sup>.

درباره معنای مشاهده در این توقیع، وجوه  
 گوناگونی ذکر شده است؛<sup>۲</sup> اما به نظر می‌رسد  
 مقصود کلی از این عبارت، تکذیب کسی است  
 که با ادعایی از جمله ادعای نیابت از جانب  
 امام همراه باشد. بنا به عرف زمان غیبت

۱. ر.ک: غیبت طوسی، ص ۳۹۶.

۲. ر.ک: عبقری الحسان، ج ۲؛ یاقوت الاحمر، ص ۲۰۵-۲۰۸.

صغرا، مشاهده توسط کسی صورت می‌گرفت که نایب امام باشد.

تشریفاتی که در کتاب‌های عالمان شیعه از جمله *جنة‌المأوی* و *مکیال‌المکارم* ذکر شده است، مربوط به کسانی است که در نهایت تقوا و علم قرار داشته و امکان دروغ‌گویی آنان بسیار بعید به نظر می‌رسد. دیگر آنکه هیچ یک از این بزرگواران ادعای نیابت خاص و ارتباط همیشگی با امام عصر نداشته و برابر انتشار این خبر نیز حساس بوده‌اند تا آنجا که از برخی نزدیکان خود قول گرفته‌اند که تا زمانی که زنده‌ام موضوع ملاقات با امام را فاش نکنند.

حاصل آنکه درباره امکان دیدار امام در زمان غیبت می‌بایست طریق اعتدال را پیش گرفت؛ نه هر گونه ملاقات با امام را منکر شد و راه دیدار با ایشان را به کلی مسدود دانست و نه ادعای کسی که دعوی ارتباط و سفارت و نیابت امام را دارد پذیرفت.

بنابراین باید در برابر تدبیر خداوند تسلیم بود و در این تسلیم به انجام وظایف و تکالیف عصر غیبت که مهم‌ترین آن‌ها کسب معرفت به امام غایب است، پرداخت.

### ۵-۳. بروز کسالت، سستی و بی‌حالی

ادعیه و زیاراتی از ناحیه مقدس معصومان علیهم‌السلام رسیده و در کتب علمی و دینی علما و دانشمندان شیعه ضبط شده است. از جمله دعا‌هایی که از ناحیه مقدس امام عصر علیه‌السلام صادر شده و جامعه منتظر را در بر می‌گیرد، دعای معروفی است که با عبارت: «اللهم ارزقنا توفیق الطاعة» آغاز می‌شود.

در این دعای شریف که در متون روایی و ادعیه روایت شده است،<sup>۱</sup> به آسیب‌های احتمالی که افراد جامعه بدان‌ها گرفتار می‌آیند و به راه‌های درمان آن‌ها اشاره شده که علاوه بر طلب اجابت درمان آن‌ها توسط خداوند، امکان بهره‌مندی علمی از آن نیز مهیا می‌باشد.

امام منتظر در ضمن عبارات این دعا، آسیب‌های دوری از اطاعت، عدم خلوص نیت، عدم آگاهی به محارم الهی و بی‌توجهی به آموزه‌های دینی و... را طلب می‌کند. این موارد که در صدر این دعا قرار گرفته‌اند، بیانگر

۱. مصباح کفعمی، ص ۲۸۱؛ بلد الامین، ص ۳۵۰.

آسیب‌های رفتاری کلی در رابطه با جامعه منتظر است که لزوم تلاش برای کناره‌گیری از آن‌ها و درمان آن‌ها بدیهی به نظر می‌رسد. در ادامه دعا، امام منتظر از خداوند جبران و درمان این آسیب‌ها را طلب می‌کند. همچنین در دعای دیگری که توسط امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به آن امر شده است،<sup>۱</sup> به وظایف و تکالیف منتظران اشاره شده و نسبت به برخی آسیب‌های رفتاری جامعه منتظر نکاتی آمده است:

خدایا! به دست امام موعود، ما را به راه راست هدایت کن و به مسیر عظیم‌الشان و طریقت عدل و صحیحی که هر غالی (بلندپرواز و متجاوز از حدود حقیقی امامت) و هر تالی (کوته‌نگر و تفریط‌گر در امر امامت) باید به آن بازگردند، راهبری فرماو....خداوند! ما از خستگی و بی‌میلی و کسالت در کار دین و سستی در طاعت به تو پناه می‌بریم.

### ۶-۳. نمادگرایی افراطی

نماد، آن چیزی است که در پس خود چیز دیگری نشان دهد. «چیزی که جای چیز

---

۱. جمال الأسبوع، ص ۵۰۷.

دیگری را می‌گیرد و بر آن دلالت می‌کند».<sup>۱</sup>

چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «ما لله آیه اکبر منی»<sup>۲</sup> برای خدا آیه و نشانه‌ای بزرگ‌تر از من نیست». یعنی با نگاه به حضرت و رفتار او می‌توان به خدا رسید و خدا را در وجود حضرت یافت. بنابر برخی روایات فرموده‌اند: «با افرادی دوست شوید که دیدن آن‌ها شما را به یاد خدا اندازد».

بنابر این روایات، انسان‌های مؤمن، نماد و نشانه خدا هستند.<sup>۳</sup> در عصر ما مسجد مقدس جمکران نمادی دینی و مذهبی و مربوط به مذهب است، اما آسیب، آن گاه خود را نشان می‌دهد که جنبه نمادین آن بر سیمای حقیقی‌اش چیرگی یابد و واقعیتی که در پس آن، وجود دارد از دید فرد پنهان بماند. آن مکان مقدس در ورای خود باید خدا و بندگی او، شناخت حجت وی و سرانجام نزدیکی به وجود مقدس آن حجت را نشان دهد؛ چنان که اصل هدف از دستور آن حضرت برای

۱. کنش اجتماعی، ص ۹۵.

۲. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۰۹.

۳. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۴۷.

تأسیس آن مکان نیز همین بوده است. در فرمان حضرت به حسن بن مثله جمکرانی برای تأسیس مکان مزبور نیز به همین موضوع اشاره شده است:

به مردم بگو تا به این مکان روی بیاورند و آن را عزیز و گرامی بدارند و در آن چهار رکعت نماز به جای آورند... هر کس این نماز را بخواند، مانند آن کسی است که در کعبه نماز خوانده باشد.<sup>۱</sup>

نمونه‌های دیگر نمادگرایی افراطی عبارتند از:

۱. اصل شدن مکان مقدس و غافل شدن از دلیل اصلی تقدس آن‌ها؛ بطوری که مکان‌های دیگر نیز به عنوان جمکران ثانی شمرده می‌شود؛ هم چنان که در برخی مکان‌های ایران این اتفاق افتاده است.

۲. اصل شدن زمانی خاص مثل حضور در شب چهارشنبه در مسجد جمکران، اگر چه در میان مؤمنان رایج شده، ولی هیچ وجه علمی ندارد.

۳. یکی از آفات این است که شخص بعد از توجه به نماد، دیگر وظیفه‌ای در وجود خود

---

۱. نجم الثاقب، ص ۳۸۵.

احساس نکند و همین را برای خود غنیمت شمارد، و به همان راضی باشد؛ به طوری که آن قدر جذب نماد شود که از محتوا غافل بشود.

### ۷-۳. ارتباط گسسته و مقطعی

از جمله آسیب‌های اجتماعی در گرایش به امام مهدی عجته، رابطه موقت و گسسته با حضرت است؛ اعم از ارتباط مقطعی در زمان خاص، مثل روز جمعه یا شب چهارشنبه یا روز و شب نیمه شعبان، یا ارتباط در مکان‌های خاص، مثل مسجد مقدس جمکران، مهدیه، مسجد سهله، محل برگزاری دعای ندبه و... بنابر روایات، این گرایش باید پیوسته باشد و در همه عرصه‌های زندگی حضور داشته باشد، لذا بنابر روایت: «انتظروا الفرج صباحاً و مساءً؛<sup>۱</sup> هر صبح و شام منتظر فرج باشید» و روایاتی که به انتظار سفارش کرده‌اند، قید زمانی و مکانی نداشته، شامل تمام زمان‌ها و مکان‌ها می‌شوند.

حضور در جمکران، مهدیه، دعای ندبه، خواندن دعای فرج و سلامتی حضرت و... از

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۳؛ کمال الدین، ص ۳۳۹.

مصادیق انتظار است، نه تمام آن. همچنین است سفارش به پیگیری و خواندن برخی-دعاها در عصر غیبت، مثل «دعای اللهم عرفنی نفسک...»<sup>۱</sup>.

در رفتار برخی از منتظران و مهدی‌یاوران، گرایش به مهدی‌ستیزی در همین تظاهرات بیرونی خلاصه شده است نه اینکه مهدی‌گرایی پیایی در سطح رفتارهای آنان، اعم از رفتارهای فردی و اجتماعی، جاری باشد.

۸-۳. روابط اجتماعی ناسالم (گسست اجتماعی)  
رفع نیازهای یک دیگر، از اهداف زندگی اجتماعی و برقراری روابط میان انسان‌ها است. جامعه‌شناسان، همبستگی و انسجام اجتماعی را برای پایایی و پویایی سازمان اجتماعی، ضرورتی انکار ناپذیر دانسته‌اند.

مذهب و آموزه‌های دینی، از عواملی است که روابط اجتماعی را فزونی می‌بخشد؛ از این رو دین اسلام بحث حقوق متقابل برادران

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۶۶؛ مصباح‌المتجهّد، ص ۴۱۱؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

دینی را مطرح کرده، بسیار بر آن تأکید می‌نماید. چنانکه امام صادق علیه السلام در پاسخ به درخواست شخصی که اصرار بر بیان حقوق برادران دینی را داشت فرمود: «می‌ترسم بگویم و تو نتوانی انجام بدهی». آن گاه راحت‌ترین حق را این چنین بیان می‌کند:

هر آنچه بر خود می‌پسندی، بر او هم بپسند و هرچه بر خود نمی‌پسندی، بر او هم مپسند.<sup>۱</sup>

امیرمؤمنان علی علیه السلام در توصیف جامعه غسل خورده و از هم‌گسیخته پیش از ظهور می‌فرماید:

ووا اسفی من فَعَلات شیعتی ... کل حزبٍ منهم آخذ منه بِغُصْنٍ اینما مال الغُصن مال معه؛<sup>۲</sup>

ای افسوس از رفتار شیعیان ما. پس از امروز که این‌گونه به هم دوستی نزدیک دارند. چگونه پس از من برخی از آنان، برخی دیگر را خوار سازند و بعضی برخی دیگر را می‌کشند. هر دسته و گروه از آنان به شاخه‌ای درمی‌آویزند و

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۵۶۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۱۲۲.

به هر سوی که شاخه بچرخد، آنان نیز می‌چرخند.

این روایات سازمان اجتماعی پیش از ظهور را گزارش می‌دهند. جامعه‌ای که به تشتت و پراکندگی فکری و کنشی دچار است و روابط اجتماعی در آن از هم‌گسیخته و اتحاد و یکپارچگی در آن جای خود را به تفرقه و جدایی داده است.

### ۹-۳. کم فروغ شدن عواطف انسانی

از معیارهای مهم برای تشخیص جامعه انسانی از گونه‌های دیگر اجتماعی، وجود پیوندهای عمیق و عواطف سرشار انسانی است.

در این برهه از زمان، پیوندهای اجتماعی بر محور حق و عدالت و ارزش‌های انسان نمی‌چرخد؛ بلکه ضابطه دراین پیوندها، خودخواهی، خودپسندی، ستم و بی‌توجهی به حقوق و ارزش‌های انسانی او است.

از روایات در توصیف روزگار پیش از ظهور و آسیب‌های عصر انتظار به دست می‌آید که پیوندها به گونه‌ای ظهور و بروز می‌یابد که نمایانگر گسستی عمیق در روابط اجتماعی انسان‌ها است.

قطع روابط خویشاوندی، کم ارج شدن - جایگاه پدر و مادر و بزرگ‌ترها در نزد فرزندان و در مقابل بی‌توجهی بزرگ‌ترها به فرزندان و اعضای فروتر خانواده، عدم توجه به حقوق همسایه، دروغ‌گویی، کینه‌توزی و دشمنی، حسادت، رواج غیبت و بهتان و افتراء، هر کدام گسلی بر روابط اجتماعی و عواطف انسانی است که احادیث، آنها را بیان کرده‌اند. اکنون به بیان برخی از این ناهنجاری‌ها می‌پردازیم:

#### قطع رحم:

صلة رحم به معنای محبت و ارتباط داشتن با خویشان است که در اسلام به آن توصیه و در زمره واجبات شمرده شده است. قطع آن به معنای بی‌توجهی و گسست پیوند خویشاوندی است. بنابر روایات، در روزگار پیش از ظهور، این پدیده در میان مردم به گونه‌ای شیوع می‌یابد که دست نیاز خویشاوندان محتاج را نیز بر نمی‌تابند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «رأيت الارحام

قد تقطعت؛<sup>۱</sup> وقتی دیدی پیوندهای خویشاوندی، گسسته شده است». پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

قیامت برپا نمی‌شود تا آنکه زمانی فرا رسد که مردمی [از شدت فقر] به اقوام و بستگان خود مراجعه کنند و آنان را به پیوند خویشاوندی سوگند دهند تا بلکه به او کمک کنند؛ ولی چیزی به او نمی‌دهند.<sup>۲</sup>

بی‌حرمتی انسان‌ها به یک دیگر:

در آموزه‌های دینی به اعضای جامعه اسلامی سفارش شده است که به یک دیگر احترام بگذارند و از بی‌حرمتی به یکدیگر اجتناب کنند.

اما در جامعه پیش از ظهور، این ارزش اسلامی زیر پا نهاده می‌شود و افراد، خود را به رعایت آن ملزم نمی‌دانند. پیامبر اسلام در توصیف این آسیب می‌فرماید:

در آن روزگار، بزرگ‌ترها به زبردستان و کوچک‌ترها، با مهربانی رفتار نمی‌کنند و قوی

۱ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶.

۲/الامالی شجری، ج ۲، ص ۲۷۱.

بر ضعیف ترحم نمی‌نماید.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

رَأَيْتُ الْعُقُوقَ قَدْ ظَهَرَ وَاسْتُخِفَّ بِالْوَالِدَيْنِ؛<sup>۲</sup>

وقتی که دیدی عاق والدین آشکار گشته و

جایگاه پدر و مادر سبک شمرده شده است.

و این نشان از افول و غروب چراغ عاطفه

نزد فرزندان آنان است.

بی‌توجهی به حقوق همسایگان:

با توجه به سفارش اکید اسلام در باره

همسایگان، جامعه منتظر پیش از ظهور به

سبب ضعیف شدن نیروی عواطف انسانی، نه

تنها برای همسایه خویش احترام قائل

نمی‌شوند، بلکه در آزار دادن وی تلاش

می‌کنند.

در روایات آمده است:

در آن روزگار، همسایه از همسایه خود یاری

می‌طلبد و او را به حق خویشاوندی سوگند

می‌دهد؛ اما به او کمک نمی‌کنند.<sup>۳</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰.

۲. وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۷۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۹.

۳. الامالی شجری، ج ۲، ص ۲۷۱.

## ۱۰-۳. شیوع ناهنجاری‌های رفتاری

عمق گرایش به کج‌روی‌ها در روزگار پیش از ظهور به میزانی است که بسیاری از مردم در جامعه اسلامی، ارزش‌های اسلامی را ضد ارزش و ضد ارزش‌های اسلام را برای خود ارزش تلقی خواهند کرد.<sup>۱</sup>

در روایات، از کج‌روی‌هایی چون هم‌جنس‌بازی، فحشاء، بی‌عفتی و بی‌حجابی، قماربازی، رشوه‌خواری، شرب مشروبات الکلی، سرقت و کم‌فروشی، نام برده است.

براساس برخی روایات، فرآیند گرایش به هم‌جنس‌بازی به میزانی شدت و حدت می‌یابد که مردان، مردان دیگری را که به زنان تمایل دارند، نکوهش می‌کنند.<sup>۲</sup>

فحشاء؛ که شامل همه شیوه‌هایی می‌شود که از طریق آن‌ها خواهش‌های جنسی را به صورت نامشروع ارضا می‌کنند. در روایات بی‌شماری به این ناهنجاری‌ها اشاره شده است.

---

۱. منتخب الاثر، ص ۴۲۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۷.

از حضرت علی علیه السلام نقل شده است:

در واپسین سال‌های دنیا و نزدیک برپایی قیامت که بدترین زمان‌ها است، زنانی ظاهر می‌شوند که برهنه‌اند و خودنمایی می‌کنند، از راه دین منحرفند و به فتنه و گناه و شهوترانی تمایل دارند، حرام را حلال می‌کنند. جای آنان در دوزخ است.<sup>۱</sup>

در برخی روایات که به توصیف روزگار پیش از ظهور پرداخته‌اند، به سرقت در غالب کم‌فروشی و رانت‌خواری اشاره شده است.<sup>۲</sup> امام حسن عسکری علیه السلام آن دوران را این‌گونه ترسیم فرمود:

«اغنیاءهم یسرقون زاد الفقراء؛ اغنیاء و توانگران جامعه، ارزاق [وسایل معیشتی و امکانات زندگی] بی‌نوایان را می‌ربایند».<sup>۳</sup>

### ۱۱-۳. انگیزه‌های غیر انسانی در روابط اجتماعی

براساس روایات، انگیزه‌ها در روزگار پیش از ظهور، الهی و انسانی نیست. غالب پیوندها، براساس دست‌یابی به عیش و نوش و لذت و

۱. من لا یحضره الفقیه، ص ۳۹۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۸.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۸۰.

فساد و آلودگی است و ابراز صمیمیت‌ها از حد زبان فراتر نمی‌رود؛ اما هنگام نیاز واقعی، یاری‌دهندگان اندکند.

حضرت علی علیه السلام در توصیف این فضا می‌فرمایند:

... و تواخى الناس على الفجور و تهاجروا على الدين و تحابوا على الكذب...  
وَأَسْتَعْمِلَتِ الْمَوَدَّةَ بِاللِّسَانِ وَ تَشَاجَرُوا النَّاسَ بِالْقُلُوبِ؛<sup>۱</sup>

مردم با انگیزه گناهکاری با هم برادر می‌شوند و در راه دین از یک دیگر جدا می‌گردند. دوستی‌ها دروغین است... و دوستی به زبان و دشمنی مردم به دل‌ها است.

### ۱۲-۳. آسیب‌های سیاسی در عصرانتظار

اگر انسان بخواهد در حوادث و پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی و سیاسی فریب نخورد، لازم است از عنصر بصیرت که حاصل شناخت و تفکر است، برخوردار گردد. فعال سیاسی به سه نوع شناخت برای حضور در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نیازمند است که عبارتند از: حق‌شناسی،

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۸.

باطل‌شناسی و راه‌شناسی. و قرآن، به هر سه نوع شناخت و بصیرت اشاره کرده است.<sup>۱</sup>

اگر انسانی نفهمد تنها راه سعادت، راه ولیّ خدا است، در شبهات و فتنه‌ها غرق می‌شود؛ از جمله عوامل باز ماندن از جبهه حق و همراهی با ولی خدا، شبهه‌ها و فتنه‌ها هستند. لذا اگر انتظار در جایگاه واقعی خود که همانا معرفت حجت حق است قرار نگیرد، در فتنه‌ها و گرداب‌ها می‌افتد که این آسیب جبران‌ناپذیر است؛ و لذا باید برای رفع این فتنه‌ها به باطل‌شناسی روی آورد، تا سره را از ناسره و حق را از باطل باز شناسد.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

ای ابو‌خالد! همانا مردم زمان غیبت که به امامت او معتقدند و منتظر ظهور او هستند، برتر از مردم همه زمان‌هایند؛ زیرا خدای متعال، به آنان آن اندازه از عقل و شناخت داده که غیبت برای آنان، به منزله شهود شده است.<sup>۲</sup>

۱. سورة انعام (۶): ۵۰؛ سورة زمر (۳۹): ۹.

۲. کمال‌الدین، ص ۳۳۰.

### ۱۳-۳. عدم تناسب سطح معارف منتظران با شرایط عصر حاضر

بحران کیفیت، از مسائل و مشکلات نظام‌های آموزشی کشورها در دوران کنونی است. این آسیب در بخش آموزش و تعلیم، دامن‌گیر آموزش‌ها و معارف دینی از جمله مهدویت‌گرایی نیز شده است. چنانکه سطح معلومات و معرفت بیشتر مهدی‌باوران درباره حضرت و وظایف خود در عصر غیبت، بسیار پایین‌تر از معمول در دوران آخرالزمان است؛ چرا که هرچه بحران‌ها شدیدتر باشد و عوامل ایمان‌زدا فراگیرتر شود، عمق بخشیدن به باورهای دینی از جمله مهدویت ضروری‌تر است؛ زیرا در زمانه‌ای هستیم که به قول روایات: «يُصْبِحُ الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَ يُمَسِّي كَافِرًا». امروز همان روزگاری است که ایمان‌ها خیلی راحت از دست می‌رود.<sup>۱</sup>

تکرار صدبار (ایاک نعبد و ایاک نستعین در نماز مخصوص امام زمان علیه السلام در هر رکعت بیانگر این نکته است که در دوران غیبت، حفظ ایمان بسیار سخت است.

۱. آفتاب ولایت، ص ۹۷.

ضعف معرفت و شناخت متناسب با زمان در امر مهدویت و نمودهای این آسیب در رفتارهای زائران و مشتاقان حضرت که به مسجد مقدس جمکران می‌آیند، به چشم می‌آید. گرایش کم زائران به تهیه محصولات فرهنگی و کتاب، به ویژه در مقایسه با تهیه غذای نذری بسیار به چشم می‌آید.

#### ۱۴-۳. ابهام در آثار روانی مهدویت

در رویکرد روان‌شناسی دینی، مفاهیم مهدویت نیز مانند دیگر مسائل دین، از لحاظ علمی، تجزیه و تحلیل می‌شود. مفاهیمی مانند منجی‌گرایی، نجات‌طلبی، امید به آینده، آرمان‌گرایی و... جزء ذات انسان مسلمان و از عناصر پایای روان وی هستند؛ لذا روان‌شناسی باید بحث درباره آن‌ها را بپذیرد. مهدویت چند بعدی است و ابعاد شناختی، شهودی و درونی، عاطفی و رفتاری را در بر می‌گیرد. این مجموعه چند بعدی، می‌تواند در مجموعه سرفصل‌های روان‌شناسی گنجانده شود. گرچه هنوز، بعضی از روان‌شناسان مطمئن نیستند که پرداختن به دین، جزو حوزه مطالعاتی و کاری آنها باشد و طبیعتاً نمی‌توانند میان روان‌شناسی حرفه‌ای خود و

مهدویت ارتباطی بیابند. برخی روان‌شناسان از این نکته غافلند که اسلام، دین زندگی است و برای سعادت انسان، طرح و برنامه دارد؛ چنانکه تعبیر قرآن از تبیاناً لکل شیء؛<sup>۱</sup> قرآن روشنگر هر چیزی است» بیانگر این معنا است. در مرحله بعدی، این الگوی زندگی را با امامت تکمیل کرد. «الیوم اکملت لکم دینکم،<sup>۲</sup> در این روز [غدیر] دین را بر شما کامل کردم» یعنی دین سعادت‌بخش، با امامت همراهی داشته و هدف، مسیر و روش زندگی با این الگو مشخص و کامل می‌گردد. البته این‌گونه نیست که تربیت دینی، پیش‌نیاز تربیت مهدوی باشد؛ بلکه هر دو یکی است و تربیت دینی با رویکرد مهدوی باید اجرا شود. و اگر علمی بخواهد به دین اسلام بپردازد، باید آن را با همین رویکرد مطالعه کند؛ یعنی روان‌شناسی اسلامی در واقع همان روان‌شناسی مهدوی است. فعالیت روان‌شناسی با مبنای مهدوی، در واقع همان زمینه‌سازی برای ظهور است؛ زیرا

---

۱. سوره نحل (۱۶): ۸۹

۲. سوره مائده (۵): ۳.

چنانکه گفته شد توسعه مهدویت با تحقق زمینه‌سازی مساوی است. در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «بِکُم یَنفَسُ الِهِم وَ یَکْشِفُ الضَّرَّ؛ ناراحتی‌ها و فشارها، فقط با شما اهل بیت رفع می‌شود»؛<sup>۱</sup> جدایی جریان مهدویت از روان‌شناسی می‌تواند زمینه‌سازی به سمت ظهور را کند کند و این خود در نوع خودش آسیب به حساب می‌آید.

برای برون رفت از این آسیب، پیشنهاد می‌شود مراحل و درجات مختلف انتقال فرهنگ مهدوی، از منظر روان‌شناسی تدوین شود.

### ۱۵-۳. انتظار منجی بدون تلاش برای تغییر

براساس آیات قرآن کریم، هرگونه تغییر بنیادین و تبدیل سرنوشت جامعه، به دست خداوند و با اراده او محقق می‌شود و اوست که اراده‌اش در ایجاد تغییر و تحول، یا ایجاد مانع بر سر راه آن، به عنوان علت تامه، نقش مستقیم ایفا می‌کند. البته علت تامه تغییر، خدا است؛ اما مقدمات و زمینه‌سازی ایجاد

۱ مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

آن، در اختیار انسان است.

در مشهورترین آیه در این زمینه که از غرر آیات الهی است، تغییر سرنوشت یک ملت را وابسته به عمل آن‌ها و منتسب به ذات مقدس خویش می‌داند و تصریح می‌کند.

﴿ان الله لا یُغَیِّر ما بقوم حتّٰی یُغَیِّرُوا ما بانفسهم﴾<sup>۱</sup>

در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد، تا آنان حال خود را تغییر دهند.

تا زمانی که ما تحولی نداشته باشیم و زمینه‌ها را فراهم نکنیم، در بیرون، چیزی رخ نمی‌دهد، این مسأله شرطی است ﴿ان تنصروا الله ینصرکم﴾.<sup>۲</sup> یعنی کسانی که امداد الهی را می‌خواهند باید از توانمندی‌های خودشان استفاده کنند. به تعبیر زیبای قرآن، نگاهتان به دست خودتان باشد ﴿ما قَدَّمَت یداک﴾<sup>۳</sup>.

با این وصف کسی که منتظر منجی و حجت خداست، اگر تغییری در رفتار و حالات

۱. سوره رعد (۱۳): ۱۱.

۲. سوره محمد (۴۷): ۷.

۳. سوره حج (۲۲): ۱۰.

خود ایجاد نکند، گرفتار آسیب بزرگی است؛ زیرا ظهور حضرت، امری تکوینی نیست؛ بلکه وعده الهی است و تحققش به اذن و فرمان خاص خدا بستگی دارد. اگر مقدماتش فراهم شد، به اذن و فرمان او انجام خواهد شد.

### ۱۶-۳. بی تفاوتی منتظران در قبال زمینه سازی

در روایات متعددی به ضرورت زمینه سازی اشاره شده است. از آسیب‌های جدی در این حوزه، وقتی است که انتظار را به عنوان یک حالت تلقی کرده، به شعار انتظار بسنده کنیم؛ در حالی که انتظار اقدام و انجام وظیفه یک شیعه، در فراهم ساختن زمینه‌های ظهور است. چنانچه در روایت ابوبصیر از امام صادق علیه السلام آمده است:

لِیَعْدَنَ أَحَدُكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا...؛  
 هر یک از شما باید برای قیام قائم آماده کند ولو یک تیر را.<sup>۱</sup>  
 برای رسیدن به ظهور باید حرکت کرد؛ مثل قلّه‌ای که باید به سوی آن حرکت کرده، به آن برسیم. این قلّه و این هدف، رفتنی است نه آمدنی؛ لذا ظهور، تحصیلی است نه

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۲۰، ح ۱۰.

حصولی. البته حقیقت آسیب در این نیست که اگر ما به وظیفه‌مان عمل نکنیم، امام ظهور نمی‌کند؛ بلکه جامعه آکنده از ظلم، خودش می‌تواند زمینه‌ساز ظهور نور باشد؛ چون: «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»<sup>۱</sup> بی‌تردید باطل رفتنی است.»

پس رسالت ما، آوردن حق است، ما هستیم که باید زمینه‌های ظهور را فراهم کنیم، در غیر این صورت محروم می‌شویم. ظهور مشکل فاعلی ندارد، مشکل قابلی دارد؛ یعنی هنوز جامعه قابلیت پذیرش امام را ندارد.

به تعبیر خواجه طوس: «و عدمه منا»، مانع، ما هستیم و از ماست که بر ماست. <sup>۲</sup> یعنی می‌توان گفت: بزرگ‌ترین آسیب و مانع در حوزه مهدویت، خود ما هستیم و بی‌قابلیتی ما است. این نفس آلوده ما است که مانع حضور او است. ما کوتاهی کرده‌ایم و نتوانسته‌ایم از او حمایت کنیم که غایب شد. در روایت آمده است:

۱. سوره اسراء (۱۷): ۸۱.

۲. کشف المراد، ص ۵۰۷.

مَنْ سرّه ان يكون من اصحاب القائم فلينتظر  
وَلْيَعْمَلْ بالورع و محاسن الاخلاق و هو  
منتظر؛<sup>۱</sup>

«کسی که دوست دارد از یاران قائم باشد، پس  
باید انتظار بکشد و از محرمات و گناه دوری کند  
و آراسته به زیبایی‌های اخلاقی باشد».

### ۱۷-۳. عدم پیروی از نایب امام زمان علیه السلام

از آسیب‌های مهم در جامعه منتظر، فهم  
غلط نسبت به جایگاه ولی فقیه است و این  
باعث می‌شود در اطاعت‌پذیری مردم از  
ولی فقیه در عصر غیبت اثر منفی بگذارد.  
براساس مبانی ولایت فقیه و نظر امام  
راحل رحمه الله و برخی از فقهای معاصر - که حق  
هم همین است - شأنی که امام معصوم علیه السلام  
در فضای مجتمع دارد؛ ولی فقیه هم دارد.  
البته نه اینکه هر شأنی که امام معصوم علیه السلام  
به لحاظ فردی دارد، ولی فقیه هم دارد. امام،  
دارای مقام عصمت است؛ اما ولی فقیه معصوم  
نیست. بر امام معصوم، ملائکه در شب‌های  
قدر نازل می‌شوند؛ اما بر ولی فقیه نازل

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۰۰.

نمی‌شوند. محل گفت و گوی ما این گونه مقام‌ها و شؤون شخصی نیست؛ بلکه محل گفت و گو این است که در فضای جامعه و اداره مجتمع، هر شأنی که امام معصوم علیه السلام دارد، ولی فقیه هم دارد؛ بنابراین اگر ولی فقیه برای اداره جامعه دستوری بدهد یا حکمی بکند، باید مردم نسبت به ولایت فقیه اطاعت پذیرتر از کنیز به صاحبش باشند.<sup>۱</sup>

اگر به تعبیر قرآن، تجلی محبت خدا در اطاعت از رسول است. تجلی محبت امام زمان علیه السلام نیز در اطاعت از ولی فقیه است. این اساس اعتقاد ماست، ولایتمداری یک شعار صرف نیست بلکه باید با آن زندگی کرد و این اساس یک مکتب است.

و لذا اگر می‌گوئیم امام زمان علیه السلام را دوست داریم، تجلی‌اش در اطاعت از ولی فقیه است، زیرا رابطه امام و مأموم، بیش از رابطه پدر و فرزند است.

۱۸-۳. عدم تبیین مشکلات فقدان امام علیه السلام  
در فرازهایی از دعای افتتاح که از جانب

---

۱. هُم أَطُوعَ لَهُ مِنَ الْأَمَةِ لَسِيدَهَا.

امام زمان علیه السلام است، می‌خوانیم:

«اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا و غيبة  
ولينا»؛ خدایا ما به تو شکایت می‌کنیم از  
نبودن پیامبرمان و از غیبت مولایمان»

معتقدیم باید شاخص‌های کلان فرهنگی  
یک دولت، این باشد که نبود امام و مشکلات  
آن، برای مردم چه در داخل و چه در گستره  
جهانی توضیح داده شود. ما از نبود امام  
شکایت داریم و ناراحتیم. این وضعیت باید  
تبیین و تحلیل بشود. در حقیقت باید نشان  
بدهیم که زمین، نیازمند آسمان است.

اما متأسفانه امروز جامعه منتظر عملاً  
چنین نشان می‌دهد که ما شکایتی نداریم و  
راضی به وضع موجودیم؛ زیرا هنوز  
مصیبت‌های فقدان امام علیه السلام برای خیلی‌ها  
تبیین نشده است. در حالی که در آن دعا  
آمده است:

«الهی عظم البلاء» آیا واقعاً نبود امام برای  
ما بلایی عظیم است؟ اینکه می‌گوییم: «الهی  
عظم البلاء و برح الخفاء و انكشف الغطاء و انقطع  
الرجاء و ضاقت الارض و مُنعت السماء و انت

المُستعان و اليك المُشتكى». <sup>۱</sup> آياهنوز ما در دنیا با غیبت امام در تنگنا قرار نگرفته‌ایم و به مرز اضطرار و شکایت به درگاه الهی نرسیده‌ایم، تا ظهورش را بخواهیم؟ اگر چنین است، معلوم می‌شود هنوز از عصر ظهور که عصر همه زیبایی‌ها است و از امام زیبایی‌ها و اهدافش، هیچ شناختی نداریم.

باید نشان داد که مهدویت، نه یک راه؛ که تنها راه است «السلام عليك يا سبيل الله الذي من سلک غیره هلك». <sup>۲</sup>

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۷۵ و ج ۹۹، ص ۱۱۹ به نقل از كنوز النجاس و المزار الكبير، ص ۱۹۶ و المزار الشهد، ص ۶۴-۶۵؛ المصباح كفعمی، ۲۸۰.

۲. المزار الشهد الاول، ص ۲۰۴؛ مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام.

فصل دوم:  
عوامل پیدایش آسیب در  
جامعه منتظر

شناخت عواملی که به پیدایی آسیب‌ها در جامعه منتظر می‌انجامد ضروری است. با بررسی این عوامل، زمینه برای برون‌رفت از مشکلات پیش‌آمده فراهم خواهد شد.

### ۱. عوامل درون فردی

#### ۱-۱. فراموشی ولایت خدا و معصومان علیهم‌السلام

از آنجا که یاد خداوند، هسته مرکزی دینداری است؛ چنانچه این مقوله را از دینداری جدا کنیم، انسان به نوعی به «فراموشی خداوند» مبتلا شده، از دین‌گریزان می‌شود. ممکن است انسان خود را به ظاهر متوسل به دین بداند؛ اما چون از هسته مرکزی دین، یعنی اعتقاد به خدا غافل مانده، به نوعی در سرایشی دین‌گریزی قرار گرفته

است؛ به تعبیر دیگر خدا فراموشی، زمینه سریع تری را برای گریزان شدن از دین فراهم می‌کند.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند  
و او نیز آنان را دچار خود فراموشی کرد؛ آنان  
همان نافرمانانند.<sup>۱</sup>

پس سرانجام خدا فراموشی، فسق است و  
فسق و دینداری با هم جمع نمی‌شوند.

نیز اتصال به حبل المتّقین الهی، یعنی  
امامان معصوم، انسان را در مقابل حوادث بی  
دینی و دین گریزی مصونیت می‌دهد. کسانی  
که از این مقامات عظیم الشان الهی تخلف  
ورزند، در معرض هجوم امواج بی دینی تاب  
مقاومت ندارند و به مسیری برخلاف مسیر  
هدایت و دین کشانده می‌شوند. امام علی علیه السلام  
نقش امامان را زنده نگه داشتن سنت پیامبر  
و جاری ساختن حدود الهی می‌داند:

همانا بر امام واجب نیست جز آنچه را که خدا  
امر فرماید و آن، کوتاهی نکردن در پند و

---

۱. ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ  
الْفَاسِقُونَ﴾. (سوره حشر، (۵۹): ۱۹)

نصیحت، تلاش در خیر خواهی، زنده نگه داشتن سنت پیامبر، جاری ساختن حدود الهی بر مجرمان و رساندن سهم های بیت المال به طبقات مردم است.<sup>۱</sup>

## ۲-۱. فقر فرهنگی

فقر و غنا در اندیشه معصومان علیهم السلام در معنای گسترده تری از تهی دستی و بی نیازی مالی به کار رفته است. مراد از فقر فرهنگی، تهیدستی مردم نسبت به مسائل فرهنگی، مانند عدم شناخت و عمل به مسائل دین به عنوان جزء مهم فرهنگ است. در مقابل، مراد از غنای فرهنگی، قوت و استحکام در عرصه علمی و عملی فرهنگ و التزام به مسائل فرهنگ دینی است. در اندیشه امام علی علیه السلام فقر فرهنگی، سخت ترین و بدترین نوع فقر است. از حضرت سؤال شد: «کدام نوع فقر شدیدتر و بدتر است؟» فرمود: «کفر ورزیدن پس از ایمان».<sup>۲</sup>

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵.

۲. ص ۵۱۱. قيل له: «ای فقراشد؟» قال عليه السلام: الكفر بعد الايمان»، جلوه های حکمت

غنای فرهنگی باعث مصونیت فکری و فرهنگی می‌شود و آسیب زدایی آفت های دینی را به دنبال خواهد داشت؛ ولی فقر فرهنگی و عدم آشنایی عمیق با مسائل دینی، آسیب پذیری فرهنگی و دینی را در پی خواهد داشت.

از موارد فقر فرهنگی، جدال بی حاصل در مسائل دینی، به جای مناظره صحیح و منطقی است که خود شروع یک آسیب جدی است. چون در روند دین‌گریزی، تأثیر دارد؛ زیرا اولاً طرفین مناقشه را سست بنیان می‌کند؛ چون هیچ کدام نمی‌توانند همدیگر راضی کنند و ثانیاً شاهدان این جریان هم به نتیجه روشنی نمی‌رسند. این جا است که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَالْمِرَاءَ وَالْخُصُومَةَ؛ مرء و جدال را رها کنید».

### ۳-۱. خودخواهی و دنیاگرایی

دنیاطلبی، به معنای اسارت در دام دنیا، از عوامل جداکننده حقیقت‌طلبان از باطل‌جویان است. عصر ظهور، با تغییر نگاه جامعه به مظاهر دنیایی، به صورت علمی و عملی، این موانع را برطرف خواهد کرد.

از آن‌جا که حکومت حضرت مهدی عج عالم‌گیر است و منفعت‌طلبان به عدالت سوق داده می‌شوند، بیشترین مخالفان، از دنیاطلبان و دنیاخواهانی است که در هراس از دست دادن آن، یا در شوق و عشق زیاده‌خواهی آنند.

اگر انسان خوب رهبری نشود و از خود مراقبت نکند، علاقه‌اش به وابستگی تبدیل می‌شود. «وسیله» به «هدف» استحاله می‌شود، «رابطه» به صورت «بند» و «زنجیر» در می‌آید. این آفتی است که قرآن و نهج‌البلاغه، انسان را درباره آن هشدار داده است.<sup>۱</sup>

اسارت دنیا و نگاه صرفاً دنیایی به زندگی، آدمی را از هر کس که سخنی غیر از دنیا بگوید، متنفر می‌سازد و این خود زمینه‌ای برای عدم اطاعت و همراهی و گاه نفرت از امام را فراهم می‌آورد. از این رو دنیاخواهی در کوتاه‌نگری منتظران نیز بسیار دخیل است. نیز دل‌بستگان دنیا، چون نگاهشان فقط دنیایی است، دیگران را نیز از انجام تکالیف و

---

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۴.

مسئولیت‌ها باز می‌دارند، تا از دنیا بیشتر بهره گیرند. بر این اساس از تحقق راه خدا که با خود مجاهدت، سختی، جهاد، عدالت و یاری محرومان را دارد گریزانند و در مقابل دین صف‌آرایی می‌کنند که این خود بزرگ‌ترین گمراهی است.<sup>۱</sup>

در زیارت حضرت امیر علیه السلام آمده است:

خدایا!... شکر تو را که مرا معرفتی دادی که  
اهل دنیا جاهل به آن هستند و به دیگران، روی  
آوردند.<sup>۲</sup>

همچنین در جریان قیام حسینی، گروهی از کوفه، که از نویسندگان نامه به امام حسین علیه السلام بودند، تا آخرین نفس، از او دفاع کردند و گروهی دیگر، در تمام گفته‌ها و نوشته‌های خود تعبیر «جُند مجند؛ لشکر آماده»، آوردند؛ ولی عهد و سوگندها را فراموش کرده و در مقابل سخن و احتجاج امام حسین علیه السلام، نامه را انکار کردند. اینان،

۱. «الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ». (سوره ابراهیم (۱۴): ۳)

۲. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۳۶.

بندگان دنیا بودند. گروه دیگر، بی‌طرفانی هستند که شیطان، آنان را فریفته است. آن‌ها به زعم خود بی‌طرفند؛ حال آنکه با تماشا و سکوت خود، یاریگر دشمن هستند. گروهی بودند که می‌گریستند و دعا می‌کردند که خدایا! حسین را یاری کن و به همین بسنده کردند.

امام صادق علیه السلام، در پاسخ ابابصیر که پرسیده بود فرج چه زمانی می‌رسد؟ فرمود: -  
 آیا تو از کسانی هستی که خواهان دنیا هستند؟  
 کسی که حقیقت این امر را درک کند، به واسطه انتظارش، برای او فرج حاصل می‌شود.<sup>۱</sup>

#### ۴-۱. اشتیاق غیر معقول

برخی ذهنیت‌ها در میان منتظران، متوجه این معنی است که تنها اعتقاد به اهل بیت و محبت امام زمان علیه السلام برای عمل به انتظار کافی است. چنین کسانی می‌پندارند که به صرف حضور در جامعه منتظر، به رستگاری رسیده‌اند؛ از این رو در برابر اعمال و رفتار و وظایف خود مسؤول نبوده و در قبال گناهان

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۷۲.

خود عذابی نخواهند داشت. این توهّم که در قرآن و روایات نیز مردود شمرده شده است، تمنّی یا امید کاذب نام دارد. آن‌چنانکه اهل کتاب نیز گمان می‌بردند همین که نام دین و مذهب را بر خود نهاده‌اند، اهل سعادتند و عذاب نخواهند شد.<sup>۱</sup> در روایات دیگری نیز این گروه آرزوپرداز، تکذیب شده‌اند و تحت عنوان «الْمُتَمَنُّون» از آن‌ها خبر داده شده است.<sup>۲</sup>

آرزوگرایی بدون عمل در باب انتظار، سبب بروز آسیب‌هایی می‌شود که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به: عمل نکردن به وظایف فردی و اجتماعی انتظار، دامن‌زدن به انتظار منفی و عدم اقدام عملی و انجام وظیفه در قبال امام و بروز توهّم بی‌جای رضایت از خویش و بدگمانی به دیگران اشاره کرد. با این اوصاف، توجه دادن افراد منتظر به تأمل و تدبّر در آیات و روایاتی که سلامت اعمال و رفتار را

۱. «وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارًا تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ». (سوره بقره (۲): ۱۱۱)

۲. شرح نهج البلاغة، ج ۶ ص ۳۸۳؛ غیبت نعمانی، ص ۱۹۷.

تنظیم کرده، معیارهای عمل صالح را بیان می‌کنند،<sup>۱</sup> برای مبارزه با این عامل، ضروری است.

البته ریشه اصلی این عامل در عدم درک جایگاه امام و امامت و خودمحوری و خودخواهی نهفته است.

به فرموده امام صادق (ع): «یکی از ویژگی‌های ممتاز سلمان این بود که خواسته امام را بر خواسته خویش مقدم می‌ساخت».<sup>۲</sup>

## ۲. عوامل برون فردی

### ۱- ۲. عدم معرفت عمومی

شاید بتوان اصلی‌ترین و جدی‌ترین عاملی که به بروز آسیب‌های اجتماعی در جامعه منتظر می‌انجامد را عدم معرفت عمومی دانست. این مسأله تنها به افراد منتظر محدود

---

۱. آیاتی مانند محتوای سوره والعصر که شرایط عمل خالص همراه با انجام وظایف فردی و اجتماعی را بیان می‌کند. [انسان‌ها همه در زیانند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند و یک دیگر را به حق سفارش کرده و یک دیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند]، از این دسته به شمار می‌روند.

۲. /مالی طوسی، ص ۱۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۳۲۸.

نمی‌شود؛ بلکه به سطح وسیع‌تری از عدم معرفت که فضای عمومی و اجتماعی را شامل می‌شود مربوط شده، تأثیرات عمیق‌تری از خود برجای می‌گذارد.

به عبارت دیگر، اگر بروز آسیب‌های فردی را ناشی از عوامل پیش‌گفته بدانیم، آنچه سبب پذیرش این عوامل و آسیب‌های برآمده از آنان می‌شود، سطح پایین معلومات عموم جامعه است که به چنین ادعاها و تحرکاتی، امکان ظهور و بروز می‌دهد.

در چنین زمینه‌ای «شبهه» و «بدعت» بروز یافته، فضای حیات دینی جامعه منتظر را آلوده می‌سازد. شبهه که به معنای ایراد، اشکال، ایجاد تردید، به اشتباه انداختن و مسلم نبودن است، تفاوت چشم‌گیری با طرح سؤال دارد. سؤال، با هدف یافتن مجهول و یافتن پاسخ مطرح می‌شود؛ اما شبهه با هدف ایجاد نقص و یا کاستی و از روی استهزاء و تمسخر صورت می‌گیرد. بنابراین، هر آنچه که ظاهری شبیه به حق دارد، اما حقیقتاً و واقعاً حق نیست، از مصادیق شبهه شناخته می‌شود و نام‌گذاری آن هم به نام شبهه، درست به همین دلیل است؛ شبهه بدین سبب شبهه

نامیده شده که شبیه حق است.<sup>۱</sup>

«حق» که از ارزش‌های پایدار و اصولی در نظام فرهنگی است و خاستگاه خاص خود را دارد و هنجارها می‌بایست در ارتباط با آنها باشد، با ورود شبهه‌ها، دچار اختلاط می‌گردد. بدعت نیز که در اصل «اصطلاحی فقهی» است و به هر چیزی که با سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله مخالف باشد، اطلاق می‌شود و معمولاً به نظریه‌ها و عادات‌های جدیدی که از دیدگاه‌های شخصی نشأت گرفته و در جامعه اسلامی رواج یافته باشد، گفته می‌شود، معلول عدم معرفت است؛ از این رو جامعه منتظر یکی از مهم‌ترین عوامل آسیب‌زای خود را می‌بایست در ایجاد بدعت جست و جو کند.

## ۲-۲. ضعف جامعه پذیری

### مفهوم جامعه پذیری

مراحل یا فرایندی است که شخص راه‌ها، افکار، معتقدات و سایر خصوصیات مناسب مورد نیازش را برای عضویت در جامعه به دست می‌آورد که مهم‌ترین پیامد آن،

۱. نهج البلاغه، ص ۸۱

شناخت خود است و آن‌ها را جزء شخصیت خویش می‌نماید.<sup>۱</sup>

جامعه‌پذیری سیاسی، روند آموزشی است - که به انتقال هنجارها و رفتارپذیرفتنی از نسلی به نسل دیگر کمک می‌کند؛ بنابراین هدف جامعه‌پذیری تربیت یا پرورش افراد به صورتی است که اعضای کارآمد جامعه باشند. برای نمونه، در بحث‌های سیاسی، به عقیده سیگل:<sup>۲</sup> «جامعه‌پذیری سیاسی، یادگیری تدریجی هنجارها، ایستارها و رفتار قابل قبول برای یک نظام سیاسی در حال تغییر است».<sup>۳</sup>

عامل‌های عمده جامعه‌پذیری عبارتند از: خانواده، مدرسه، گروه‌های هم‌تا، تجربه‌های - طی دوره کار، رسانه‌های جمعی و تماس مستقیم با نظام سیاسی. البته گروه‌های هم‌تا یادلبسته، تأثیر پایداری از مدارس یادانگاه‌ها دارند. تجربیات افراد در میان

---

۱. روحانیت و جامعه‌پذیری سیاسی، ص ۲۴ (به نقل از rogers cruton و علی اکبر شعاری نژاد).

۲. robert sigel

۳. بنیادهای علم سیاست، ص ۱۱۸.

دوستان، در ایجاد تغییری کامل در ایستارهای ذهنی آنان اساسی است. در نتیجه چنین تأثیراتی، ایستاری خصوصیت آمیز و پرخاشگرانه به آسانی ممکن است به ایستارهمکاری تبدیل شود یا برعکس.<sup>۱</sup>

جامعه منتظر و قوانین کلیدی آن، بهترین فرصت را برای اهالی آن ایجاد نموده تا بتوانند با پذیرش چنین جامعه‌ای، خود را از آسیب‌ها در امان بدارند.

### ۳-۲. فقر و غنای مفرط اقتصادی

علاوه بر فقر فرهنگی، فقر اقتصادی نیز می‌تواند باعث ضعف و نقصان دین‌داری شود. فردی که برای تأمین نیازهای اولیه و ضروری زندگی مادی خود، از صبح زود تا پاسی از شب به طور مستمر به کار سخت و طاقت فرسا تن می‌دهد، طبیعی است نتواند وظایف دینی و شرعی خود را به صورت شایسته انجام دهد. عدم انجام شایسته تکالیف دینی نیز باعث ضعف و نقصان دین‌داری خواهد شد. باتوجه به این واقعیت، در اندیشه

۱. همان، ص ۱۲۱.

امیرالمؤمنین علیه السلام فقر از جمله علل نقصان وضعف دین‌داری ذکر شده است.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام همانند قرآن، غنا و بی‌نیازی مفرط اقتصادی را عامل طغیان و عصیان می‌داند؛<sup>۲</sup> نتیجه اینکه فقر و غنای مفرط اقتصادی هردو، می‌توانند به دینداری آسیب وارد کنند.

---

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹.

۲. غررالحکم و درر الکلم، ج ۳، رقم ۴۷۰۷.

فصل سوم:  
آثار و پیامدهای آسیب در  
جامعه منتظر

به طور کلی بروز آسیب، با به وجود آمدن آثار و پیامدهای منفی و مخربی همراه است که باعث بروز مشکلاتی در روند کلی یک ارگانیزم ایجاد می‌شود. آسیب‌های فکری و فرهنگی نیز علاوه بر دامن زدن به مشکلاتی در فرد و رشد انفرادی انسان، پیامدهای مخربی در گستره حیات اجتماعی در پی خواهند داشت که مطالعه آن‌ها در شناخت ابعاد گوناگون آسیب‌ها اهمیت بسیار دارد.

اینک درصدد شناخت آثار و پیامدهای آسیب‌های ذکر شده برای جامعه منتظر هستیم که دو گستره فرد و جامعه منتظر را شامل می‌شود؛ ازاین رو نخست به عمده‌ترین آسیب‌های فردی پرداخته، سپس اهم آسیب‌های اجتماعی را بررسی می‌کنیم.

## ۱. آسیب‌های فردی

### ۱-۱. ترس از امام و آرمان‌های او

ترس از یک چیز به سبب کمی اطلاع از آن شکل می‌گیرد و ابهام ناشی از خلأ علمی در رابطه با یک موضوع، به ترس از آن می‌انجامد؛ مروری بر آسیب‌های جامعه منتظر کافی است تا اذعان کنیم پایه اصلی و اساس همه این آسیب‌ها به عدم درک درست موضوعات و مفاهیم اساسی در بستر آموزه مهدویت مربوط می‌شود. هر یک از آسیب‌هایی همچون توقیت، استعجال و ادعاهای دروغین از درک نادرست مفاهیم غیبت و ظهور ناشی می‌شود و ابهام در نسبت اراده الهی و اراده انسانی در تمام این آسیب‌ها بدیهی به نظر می‌رسد.

چنین وضعیتی باعث می‌شود که رفته رفته به ترسی پنهانی گرفتار آیند و همواره از ابهام ناشی از آسیب‌های پیش‌گفته رنج ببرند.

در یک آمارگیری که از حدود هزار دختر نوجوان صورت گرفته است، بیش‌تر آن‌ها شناختی بسیار مبهم و اندک از مهدویت

داشته‌اند. عمده مشکل آنان این بود که آیا صحیح است وقتی امام زمان علیه السلام ظهور می‌کند پای اسب ایشان درخون آدم‌هایی که سر آنها توسط آقا زده شده است، فرومی‌رود؟<sup>۱</sup>

در چنین زمینه ابهام آلود و ترسناکی، اصلی‌ترین اثر آسیب‌ها در بعد فردی که به قطع ارتباط علمی و عاطفی با امام منتظر است، بروز می‌یابد. نکته حائز اهمیت این است که این ترس باعث می‌شود زمینه هرگونه همراهی و استقبال از برنامه‌ها و آرمان‌های امام از بین برود و در نتیجه، آثار مخربی در عمل افراد منتظر ایجاد شود.

## ۲-۱. گریز از امام و آرمان‌های او

دنیاه‌گرایی به معنای دلبستگی و سرسپردگی به دنیا از آنجا که باعث فراموشی آخرت می‌گردد، مذموم شناخته می‌شود. چنانکه در دوره‌های مختلف تاریخ به ویژه دوران زندگی معصومان علیهم السلام، دنیاه‌گرایی برخی

---

۱. فصلنامه تخصصی انتظار، شماره ۱۲، چشم‌اندازی بر برخی از آسیب‌های تربیتی مهدویت.

عناصر، تأثیر زایدالوصفی در کنش‌های اجتماعی آنان داشته است که از پیمان شکنی تا کفر و خروج از دین را شامل می‌شد.<sup>۱</sup>

ترس از امام هم در مراحل بعدی، به ایجاد دوگانگی در تمایلات و نهایتاً بروز نفرت از امام منتهی می‌شود. هنگامی که افراد به وضعیت کنونی زندگی خود بسنده کرده و به کسی که می‌خواهد این وضع زندگی را تغییر دهد، شناخت کافی ندارند، رفته رفته از این عامل تغییر، تنفر یافته و درصدد مقابله با آن برمی‌خیزند.

تأکید بر یادآوری رسالت مهم تاریخی جامعه منتظر، خود بهترین مکانیزم اجتماعی برای پیش‌گیری از کجروی‌ها و دنیاگرایی‌های جامعه منتظر است و به عاملی تبدیل خواهد شد که تنظیم رفتارها بر اساس هنجارهای دینی و بازدارنده از کجروی‌های دینی را تضمین می‌کند.

بدیهی است در یک جامعه منتظر، روابط اجتماعی نیز می‌باید بر اساس هنجارهای انتظار صورت پذیرد تا در پرتو التزام بدان‌ها

---

۱. ر.ک: نهج‌البلاغه، خطبه ۳، ص ۴۹.

ضمن تأمین خوشایندی و رضایت کنش‌گران، آن‌ها را به سمت سعادت و کمال رهنمون شود.

از دیگر پیامدهای آسیب‌های جامعه منتظر که بر تعاملات فردی اعضای جامعه تأثیر بسزایی دارد، تفسیرهای نادرست از کنش‌های دیگران و سوءظن به آن‌هاست. در صورت بروز چنین حالتی، معتقدات دینی اعضای جامعه با آسیب روبه‌رو می‌شود؛ زیرا بر اساس آموزه‌های دینی نمی‌توان و نباید تفسیر نادرستی از اعمال و رفتار دیگر اعضای جامعه داشت؛ بلکه می‌بایست همواره رفتار آنان را در یک قالب و الگوی مقبول و متناسب با اخلاق و هنجارهای دینی تفسیر و تعبیر کرد.

### ۳-۱. ترک وظایف و تکالیف انتظار

انتظار، در کلیت خود به تمام ابعاد زندگی افراد منتظر مربوط می‌شود؛ اما برای تحقق آن در عینیت حیات فردی منتظران، می‌باید به موانع آن نیز توجه داشت. روح منفعت‌طلبی و زیاده‌خواهی هر انسانی به دنبال آن است که بایدها و نبایدها را بر اساس

تمایلات خود تفسیر کند. این ویژگی در بدو امر، خصوصیت طبیعی قلمداد می‌شود؛ اما وقتی با سایر موارد به صورت نظام‌وار در نظر گرفته می‌شود، به دلیل آسیب یا آسیب‌هایی که به سایر بخش‌ها وارد می‌کند، نیازمند کنترل و جهت‌دهی است.

از این رو باید متذکر شد که در انجام الزامات و هنجارهای دینی نباید خود را آزاد دانست و در انجام تکالیف و فرایض، با سستی و تساهل و یا نادیده گرفتن و تسامح برخورد کرد؛ بلکه می‌باید آنچه از ناحیه دین به عنوان باورها، ارزش‌ها و هنجارها و مناسک دینی آمده است، تمام و کمال صورت پذیرد؛ و گرنه تسامح و تساهل در این تکالیف، موجب آسیب به سایر بخش‌ها می‌شود؛ از این رو مهم‌ترین پیامد بروز آسیب در جامعه منتظر، بی‌توجهی به تکالیف انتظار و بایسته‌های حیات منتظرانه است.

هر چند مواردی که امکان چشم‌پوشی و آسان‌گیری در آن‌ها وجود داشته، توسط خود دین، پیش‌بینی شده است و به همین علت، دین «سمحة و سهلة» می‌شود؛ اما این ویژگی نباید بهانه‌ای شود برای آنکه منتظران به

حداقل‌ها در ظرف ذهن و عین رضایت دهند. چنانکه رضایت به حداقل‌ها، موجب چشم‌پوشی از تکالیف انتظار و در نتیجه، غفلت از فلسفه انتظار می‌شود.

## ۲. آسیب‌های اجتماعی

### ۱-۲. ناامیدی افراد جامعه

عمده‌ترین پیامد اجتماعی که از آسیب‌های جامعه منتظر ناشی می‌شود، به ناامیدی افراد جامعه و سرخوردگی رفتاری و تردید فکری آنان مربوط می‌شود. بروز هر یک از آسیب‌های جامعه منتظر که ذکرشان گذشت و نیز تکرار بروز آن‌ها سبب می‌شود رفته‌رفته در موضوعات و گزاره‌هایی که به این آسیب‌ها مرتبط است، دچار ابهام و تردید شده، از لحاظ رفتاری نیز نسبت به این موارد بی‌تفاوت گردند.

این وضعیت، به نوعی به ناامیدی اجتماعی دامن می‌زند که امکان هرگونه اصلاح و رشد را از میان برده و از معاضدت و تعامل افراد جامعه منتظر در راستای انجام وظایف و تکالیف خود می‌کاهد. این وضعیت، باعث بروز بحران‌ها و انحرافات فکری و عملی

خاصی می‌شود که همچون گذشته تاریخ،<sup>۱</sup>  
خطر وقوع آن‌ها محتمل است.

نامیدی و بی‌تفاوتی جامعه منتظر،  
مهم‌ترین اثر خود را در ترک وظیفه امر به  
معروف و نهی از منکر نشان خواهد داد. و اگر  
این دو در ساختار اجتماعی، از جایگاه خود  
برخوردار نباشد، پیامدهای ناگواری به دنبال  
خواهد داشت؛ به همین دلیل حضرت  
علی علیه السلام اعلان خطر کرده، چنین تذکر  
می‌دهد:

... مفاسد آشکار شده، نه انکار کننده و تغییر  
دهنده‌ای پیدا می‌شود و نه بازدارنده‌ای به چشم  
می‌خورد... خداوند، امر کنندگان به معروف را که  
خود ترک کننده معروفند و نیز نهی کنندگان  
منکر را که خود مرتکب آن می‌شوند، لعنت  
می‌کند.<sup>۲</sup>

ویژگی یک جامعه پویا آن است که در  
سلسله مراتب طولی باورها و عقاید تا هنجارها  
و عمل، روش یکسانی داشته باشند. عمل‌ها  
منطبق با اجزای نظام فرهنگی و نظام

---

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۶۹.

۲. نهج البلاغه، ص ۱۸۸.

فرهنگی پاسخ‌گوی نیازهای جامعه باشد. این هم‌گونی باعث می‌شود در ذهن اعضای جامعه ایستارهای ارزشی، تحقق عینی به خود ببیند و در مقام عمل، التزام بدان‌ها مشاهده گردد. در این کلام به هر دو مکانیزم نظارت اجتماعی غیررسمی و کنترل اجتماعی رسمی اشاره شده است. پایان کلام ایشان، بیانگر این واقعیت است که این نظارت، ضامن سلامت، سعادت و تعادل جامعه و اعضای آن خواهد شد. چنین مکانیزمی دقیقاً درباره جامعه منتظر صدق می‌کند و لزوم عمل به تکالیف اجتماعی انتظار را بیش از پیش تأکید می‌کند. اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه منتظر، حاکمیت انتظار در آن جامعه را تقویت کرده، مانع آسیب آن می‌شود.

## ۲-۲. عدم پیروی از فقها و دانشمندان

ناگفته پیداست دغدغه هر مسلمان متعهدی، راهنمایی بشر و نوع انسان‌ها به سوی فلاح، رستگاری و سعادت است. این وظیفه، در خصوص حفظ ایمان مسلمانان، دو چندان می‌شود؛ چرا که عالمان و متفکران مسلمان، خود را مسؤول دینداری مسلمانان

می‌دانند و هر آنچه که به دینداری آن‌ها، خواه در ذهن و خواه در عین، آسیب برساند را آفت دانسته، با آن به مبارزه بر می‌خیزند. تلاش خستگی‌ناپذیر و مجاهدت تاریخی فقها و علمای شیعه در طول عصر غیبت، گویای این حقیقت است که همواره دفاع از کیان مذهب و راهبری جامعه منتظر شیعه در خط مستقیم امامت و حفظ حدود فکری و واقعی آن در رأس فعالیت‌های علمی و عملی ایشان بوده است.

با توجه به پیش‌بینی‌های پیامبر از آینده جامعه اسلامی و ایمان آوردن آیندگان به آرمان‌های والای اسلام و توجه دادن به امامت دوازده امام پس از او و غیبت طولانی دوازدهمین امام ناچار برای تضمین تداوم رهبری اسلامی - در عصر غیبت کبرا - باید برای امام غایب جایگزین و قائم مقامی باشد تا کمال، جامعیت و جاودانگی اسلام به خطر نیفتند؛ بنابراین رهبری در عصر غیبت امام معصوم، اصلی منطقی و معقول و نهادی عقلانی و بسیار ضروری و هماهنگ با اصول اولیه اسلام است.

مرجعیت فقیه با کفایت و جامع شرایط،

بهترین فرض ممکن در صورت غیبت امام معصوم است؛ به همین دلیل نهاد مرجعیت در متن تعلیمات دین مطرح بوده تا مشکل و معضل جامعه منتظر را در عصر غیبت تا حدود زیادی برطرف کنند. شیعه، به برکت چنین نهادی در طول تاریخ پریچ و خم و با بدترین شرایط اجتماعی و حکومتی در بهترین وضعیت فکری، علمی و سیاسی قرار داشته است.

روایات معصومان لزوم تقلید از فقها و مرجعیت علمی و دینی آنان را یاد کرده و آنان را حاکم و حجت مردم قرار داده است.<sup>۱</sup>

با این وجود، آنچه سبب می‌شود میان این رکن و حصن عظیم و مردمان جامعه منتظر فاصله افتد، به آسیب‌های فکری و رفتاری و آثار برآمده از آن‌ها مربوط می‌شود که دامن‌گیر جامعه منتظر شده است. مهم‌ترین نقش عالمان و دانشمندان آن است که در علم‌آموزی، فعالانه برخورد کرده، حضور جدی داشته باشند. وقتی فضای روابط انسانی میان عالم و دانشمند و پرسش‌گر و دانشجو، جایگاه

۱. وسائل‌الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۴۱.

خود را بیابد، علم‌آموزی فراگیر می‌شود و میل به پرسش‌گری از دانشمندان تقویت می‌شود و این امر، تضمین‌گر شیوع بصیرت دینی درباره انتظار و رسالت تاریخی جامعه منتظر خواهد بود؛ اما اگر اخلاق و هنجارهای حاکم رعایت نشود، دانشجویان و طالبان علم به سراغ اهل علم نمی‌آیند و در این صورت است که نیازمندان علمی با مجهولات خود باقی می‌مانند و جهل و نادانی بر آن‌ها چیره می‌شود. دوری از فقها و دانشمندان که از آثار اجتماعی آسیب‌های جامعه منتظر محسوب می‌شود، خود زمینه‌ساز بروز مسایل و مشکلات بی‌شمار دیگری خواهد شد.

حال اگر این مجهولات مربوط به حوزه دین باشد، تأثیر آن دو چندان می‌شود؛ زیرا مردمان جامعه منتظر نمی‌توانند رفتارهای خود را با هنجارهای دینی مطابق سازند و افراد جامعه، هم‌نوا با دین شوند. اصولاً در این وضعیت، مردمان، از هنجارهای دینی، اطلاعات لازم و کافی ندارند تا رفتارهای خود را با آن هم‌نوا سازند و از این خطرناک‌تر وقتی است که همین پرسشگران به جای مراجعه به دانشمندان و اهل علم متخصص و

با کفایت، به کسانی که صلاحیت لازم را ندارند، روی آورند و همین امر باعث پیدایش هرج و مرج‌ها شده، دین آن‌ها به مخاطره می‌افتد.

### ۳-۲. گسست میان نسل‌های تشیع

با آغاز غم‌انگیز عصر غیبت، جامعه شیعیان وارد دوره جدیدی از حیات تاریخی خود شد. این مرحله نه تنها شرایط خاص خود را دارا بوده که اساساً طریق هدایت الهی در آن نیز در مقایسه با ادوار پیشین متفاوت است. جریان هدایت الهی در قالب حجت‌های خداوند، این بار به صورت طولی گسترش یافته و همزمان با مدیریت امام عصر علیه السلام، فقها به عنوان مرجع و ملجأ جامعه شیعه وارد عمل شدند. این رویه تا بدان جا ادامه یافت که بررسی حیات تاریخی تشیع در عصر غیبت، به دلیل پیوند محکم جریان مرجعیت با واقعیت‌های زندگی شیعیان، در گرو شناخت مراحل تکامل مرجعیت شیعه است.

جریان مرجعیت، علاوه بر حفظ علوم و معارف مبنایی جامعه منتظر به عنوان نخ تسبیحی عمل می‌کند که نسل‌های تشیع را

در مسیری واحد نگه‌داشته و به پیش می‌برد. در واقع آنچه باعث شده تا تشیع از اقلیت در آمده، برابر انبوه فشارهای سیاسی و اجتماعی و حتی مذهبی سربلند باشد، وجود عنصری همیشگی و مستمر به نام مرجعیت است که البته در زمان‌های مختلف، بسته به نیازها و شرایط هر دوره، در چهره‌های متفاوت به ظهور رسیده است.

علاوه بر این، مطالعه جریان مرجعیت و رهبری در عصر غیبت، گویای شرایط هر دوره از تاریخ تشیع است؛ از این رو مرجعیت شیعه، آینده‌دار حیات جامعه منتظر در طول تاریخ به حساب می‌آید.

این پیشینه پرافتخار و طولانی که به عنوان دسترنج تاریخی جامعه منتظر در عصر غیبت شکل گرفته است، نیازمند ارائه و انتقال به نسل‌های آینده تشیع بوده که در این میان بروز آسیب‌های ذکر شده برای جامعه منتظر، مانع این رخداد مهم می‌شود. دامن زدن و گرفتار آمدن جامعه منتظر در آسیب‌های فکری و رفتاری، سبب می‌گردد ارتباط آن با سنت، از بین رفته و امکان برقراری ارتباط با نسل‌های گذشته از میان برود. در چنین

زمینه‌ای است که رسالت تاریخی جامعه منتظر تحت تأثیر واقع شده، در آرمان‌نهایی آن، ابهامات و سستی‌هایی به ظهور می‌رسد. از این رو یکی از مهم‌ترین آثار و پیامدهای بروز آسیب در جامعه منتظر را می‌بایست در ایجاد گسست میان نسل‌های تاریخی تشیع جست و جو کرده و برای بررسی و مطالعه گستره این پیامدها و راه‌های مقابله با آن تلاش کرد.

فصل چهارم:  
نقد و بررسی مستند  
آسیب‌ها در جامعه منتظر

با توجه به آنکه بحث مهدویت و عناصر وابسته به آن، جاذبه‌های فرهنگی و اجتماعی فراوان دارد، در کشورهای اسلامی و برخی کشورهای دارای فرهنگ شرقی مانند هند، مورد توجه خاص قرار گرفته است. مدعیان دروغین مهدویت و نیابت و ملاقات گرایی نیز از این ظرفیت و گرایش عمومی سوء استفاده کرده‌اند. لذا لازم است زمینه این گرایش‌ها و شیوه بهره‌برداری مدعیان روشن شود. مدعیان جدید با طرفندهای ویژه و با استفاده از امکانات و فن آوری روز؛ مانند ماهواره و اینترنت و مطبوعات، به تحریک احساسات عمومی می‌پردازند.

اغلب عارف نمایان، خود را، رابط میان مردم و امام زمان معرفی می‌کنند؛ حال آنکه

عرفای واقعی و بزرگ شیعه، چنین ادعایی نکرده‌اند.<sup>۱</sup>

به راستی چرا این تغییرات در زمان ما رخ داده است؟ آیا امروز به روایات جدیدی برخورد‌ه‌ایم که امثال کلینی نیافته بودند؟ آیا امروز، برخی از چنان معرفت و ایمانی برخوردارند که امثال شیخ مفید و شیخ انصاری از آن بی بهره بوده‌اند؟ آیا در عصر ما درهای ملاقات به روی آن‌ها باز شده است یا شرایط فرهنگی و مذهبی زمان ما برای رواج یافتن ادعاهای ملاقات، مساعد شده و مدعیان جرأت و جسارت بیشتری پیدا کرده‌اند؟

### ۱. بازخوانی پرونده‌های مدعیان دروغین

۱-۱. یک زن در دشتستان، مدعی رابطه با امام زمان و شفای بیماران شد. وی در جلسه خاص خود با در دست گرفتن پرچم، به میان جمع آمد و با حالتی ویژه گفت: «الان امام زمان در جمع حضور دارد و باید به احترام ایشان قیام کنید». براساس گفته خبرنگار پارس‌نیوز، وی با وجود حضور پلیس و

۱. پیچک انحراف، ص ۱۲۸.

اطلاعات، حاضر به آمدن همراه پلیس نشد و فریب خوردگان ادعا کردند: «اگر او را ببرید، زلزله خواهد شد».<sup>۱</sup>

۱-۲. پزشک مصری، ناگهان در مصلاهی نماز جمعه یکی از شهرهای عربستان اعلام کرد که حضرت مهدی است! وی قبلاً نیز ادعای نبوت کرده بود.<sup>۲</sup>

۳-۱. یک فلسطینی مرتبط با رژیم صهیونیستی، ادعای مهدویت کرده است. این شهروند فلسطینی در جنوب غزه، ادعا کرد، مهدی موعود است و از هواداران حماس خواست از او تبعیت کنند. البته او با رژیم صهیونیستی، روابط پنهان داشته است.<sup>۳</sup>

۴-۱. فرد دیگری که متولد ۱۳۱۴ است، ادعای واسطه فیض از طرف حضرت حجت و نیز ادعای مکاشفه کرده است. وی با وادار کردن افراد به اعتراف به گناهانشان در

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱ بهمن ۱۳۸۶،

۱۲ محرم ۱۴۲۹، شماره ۸۲۳۵، سال ۲۹، ص ۲.

۲. ویژه نامه جام جم، (کژراهِه)، اسفند ۱۳۸۶، ص ۵۹، اخبار مدعیان.

۳. همان.

برابر وی و نوشتن آن گناهان و تهیه زمینی برای مسجد جمکران در مشهد، سعی در جذب افراد دارد. او همچنین ادعای ارتباط دائم با امام زمان را دارد و به نقل یکی از یارانش: «ایشان یک تنه در زمان غیبت برای هدایت مردم حاضر شده است».<sup>۱</sup>

۵- ۱. علی. ی. متولد ۱۳۴۴ تهران است. وی اخراجی دانشگاه بوده و ادعای رجعت دارد. مدعی است معلم غیبی به او گفته است: «تو باید اولین کسی باشی که در صبح ظهور به امام می‌رسی». وی حتی حوادث زلزله ترکیه [پس از حادثه کوی دانشگاه] و مرگ اسحاق رابین را به خود نسبت می‌دهد و می‌گوید: «ما از خدا خواستیم و او انجام داد». حتی در جایی به حضرت موسی هشدار می‌دهد که جلوی اسرائیلی‌ها را بگیر و الا من خودم اقدام می‌کنم.<sup>۲</sup>

۶- ۱. ک. ب. متولد ۱۳۳۷ بروجرد، قرآن درمانی از شیوه‌هایش بود. آیاتی از کلام الله را با گلاب و زعفران می‌شست و به مراجعان

۱. همان، ص ۱۴۵ و ۱۴۶.

۲. همان، ص ۱۵۱.

می‌داد تا مشکلاتشان حل شود؛ مثلاً به نانوایان، آیه «ن وَالْقَلَم» و برای دندان‌درد، آیه «السِّنِّ بِالسِّنِّ» را می‌داد. نامه‌هایی به مجامع بین المللی و پاپ نوشت و خود را پیشوای مستقل و مذهبی و مظلوم خواند. وی خود را نوه بیست و هفتم امام موسی کاظم علیه السلام و همچنین نوه آیت الله بروجردی معرفی می‌کرد. القابی از جمله کُهِف المَضْطَرِین، مصلح خانه نشین، ناطق الدعوات و... برای خود بر می‌گزید.<sup>۱</sup> این مدعی، حتی بدون گذراندن دروس سطح حوزه علمیه، برخلاف نص صریح روایات، مدعی رسیدن به مقام «نماینده خاص امام زمان علیه السلام» شده است.

۷- ۱. مدعی دیگر که در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ فعالیت می‌کرد در اطلاعیه‌های خود، اعلام می‌کند که: [به اصطلاح] نظام جمهوری اسلامی، شرک آلود است و او از طرف امام زمان، مأموریت دارد آن را از بین ببرد. همچنین اعلام کرد: قائم آل محمد، خمس به غیر معصوم را حرام می‌داند، و می

۱. همان، ص ۱۵۴ و ۱۵۵.

گوید: امام زمان به قوای قهریه نیاز ندارد.<sup>۱</sup>

۸- ۱. خانمی که مدعی ارتباط مستقیم با امام زمان بود، به خانمها عنوان می‌کرد: «اگرشش ماه نزد همسر خود نروند، حتماً امام زمان علیه السلام را رؤیت خواهند کرد». در صورت جدایی شخص از گروه وی، دیگر افراد گروه، ضمن توهین علنی و حتی نسبت حیوانیت دادن به او، برایش مجلس ختم برگزار می‌کردند.<sup>۲</sup>

۹- ۱. خانم گ - الف متولد ۱۳۳۰ تهران، ادعاهای خود را از سال ۱۳۶۳ آغاز کرد. ادعا می‌کند، امام زمان به او فرموده اند: «اگر من سه نفر مثل تو داشتم تا حالا آمده بودم. من ممنونم از شما که چهل سال ظهور مرا جلو انداختید». این خانم همچنین ادعا کرد: «چندین بار با حضرت ملاقات داشته‌ام و ایشان یک اتومبیل و یک باب منزل در تهران به من داده‌اند و منتظرم حضرت

---

۱. همان، ص ۱۵۷.

۲. همان، ص ۱۳۰.

ظهور کنند تا با ایشان ازدواج کنم».<sup>۱</sup>

۱۰-۱. خانمی معروف به م. ن با تبلیغات، به خصوص میان خانم‌ها و در مراسم مذهبی، راننده خود را حضرت امام زمان (عج) معرفی می‌کرد. او زنان را ترغیب می‌کرد زیور آلات خود را به راننده وی هدیه کنند.<sup>۲</sup>

۱۱-۱. شخصی به نام احمد بن الحسن در سال ۱۳۸۴ در عراق، ادعای نیابت امام عصر را داشت. وی در شوال ۱۴۲۶ اطلاعی‌ای صادر کرد و دیگران را به مباهله و مناظره خواند. طرفداران او می‌گفتند: چون مراجع مباهله را نپذیرفتند؛ لذا ادعای او بر حق است.<sup>۳</sup>

۱۲-۱. فردی که سال‌ها مدعی ارتباط با امام زمان بود و سپس مدعی شد خودش امام زمان است، به دست نیروهای امنیتی دستگیر شد. این فرد با حفر گودالی زیر اتاق خود، در منزلش و با مخفی شدن در گودال، از طریق همسرش به مریدانش اعلام می‌کرد: «آقا»

۱. همان، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

۲. همان، ص ۱۹۲ و ۱۹۳.

۳. پیچک انحراف، ص ۱۵۷ و ۱۵۸.

برای زیارت طی الأرض کرده است. مریدان وی با مراجعه به داخل اتاق و ندیدن وی، این ادعا را باور می‌کردند. این مدعی در حالی که با مریدان خود با پای پیاده به جمکران می‌رفت، کنار پل ورودی جاده جمکران مخفی شده و سپس همسر و برادر همسر وی، مدعی غیبت صغرای وی از چشم مریدان شدند و فرد یاد شده به مدت یک سال در منزلش مخفی شد.

این فرد که به ظاهر دچار روان پریشی است، توانسته بود تعداد قابل توجهی افراد را که مناصبی نیز داشتند، به حلقهٔ مریدان خود بیفزاید؛ اما پس از دستگیری وی به همراه مریدان اصلی اش و حبس آنان در زیر زمین ساختمانی در قم، مریدانش از وی می‌خواهند با استفاده از قدرت امامت خود برای آزادی آنان کمک کند؛ اما با ناتوانی این امام زمان قلابی پس از آزادی و گذراندن مدت - محکومیت، دوباره مانند گذشته فعالیت ادعاهای دروغین خود را از سر گرفته است.<sup>۱</sup>

۱. روزنامهٔ جمهوری اسلامی، چهارشنبه، ۲۷ دی ۱۳۸۵، ۲۷ ذیحجه ۱۴۲۷، شماره ۷۹۶۸، سال بیست و هشتم، ص ۲۰۱.

۱۳-۱. فردی که مدعی امامت بود، ادعاهای دروغین خود را پس گرفت. این مطلبی بود که روزنامه جمهوری اسلامی، از دادستان عمومی و انقلاب قم نقل کرده است. این مدعی منحرف که خود را امام چهاردهم می‌دانست و می‌گفت امام دوازدهم، حضرت صاحب الامر علیه السلام از دنیا رفته‌اند و بدن ایشان در جمکران دفن شده است و امام سیزدهم، در اصفهان زندگی می‌کند؛ اما بنابر مصالحی خود را آشکار نمی‌کند. از هنگامی که امام دوازدهم در جمکران مدفون شدند، باید نماز را به سوی جمکران بخوانیم! شرم آورتر اینکه عده‌ای مردوزن، ادعاهای او را باور کرده، نماز خود را نیز رو به جمکران می‌خواندند. البته این فرد وبسیاری از مریدانش اهل قم نیستند و تنها برای ایجاد پوشش مذهبی و نفوذ در عقاید افراد بی سواد و استفاده از احساسات پاک مردم، با حضور در این شهر زیارتی، به کار اخاذی و شیادی از زائران می‌پردازند.<sup>۱</sup>

۱. همان، چهارشنبه، ۲۷ دی ۱۳۸۵، ۲۷ ذیحجه ۱۴۲۷، ش ۷۹۶۸، سال ۲۸ ص ۱، و یکشنبه ۲۴ دی ۱۳۸۵ ش ۷۹۶۵، سال ۲۸ ص ۴.

۱۴-۱. عبدالرضا، ق، د مدعی مهدویت و نبوت، ادعا می‌کند: «من امام زمان هستم و چون پیام در جهان می‌آورم، پیامبر هم هستم. درست در چهل سالگی متوجه شدم خداوند یک سری کارها را می‌خواهد برعهده من بگذارد».<sup>۱</sup>

۱۵-۱. خانم اکرم، الف، مدعی اخذ مقام از امام زمان علیه السلام، در جلسه انحرافی خود، ادعاهای خود را به واسطه فرد ناشناسی که او را نمی‌شناسد طرح می‌کند. وی مدعی است حرف‌های حضرت حجت را از جانب وی می‌گیرد. او در جلسه مریدانش گفت: این دفعه به من گفت: «با مرتبطين با خود، خیلی رأفت نشان می‌دهی؛ لذا باید چله سخت به آنها بدهی» و من می‌دانم این چهل روز برای شما سخت تر از ندیدن من نیست؛ لذا چهل روز مرا نمی‌بینید. در این چهل روز هیچ گونه ارتباطی با من برقرار نکنید. به این امامزاده‌ها و زیارتگاه‌ها بروید و از نوارها و سی‌دی‌های قدیم من استفاده کنید. خودتان را بسازید و

---

۱. نرم افزار شمیم انتظار ۲، (مدعیان دروغین).

حجاب‌ها را بردارید.<sup>۱</sup>

۱۶-۱. مدعیان در کلاس تشرّف دروغین، شخصی را گزینش کردند که ارتباط با امام زمان دارد و برای سؤال باید از قبل نام نویسی کرد و به آن شخص داد، تا جواب را از آقا بگیرد. فردی که هشتاد درصد بینایی خود را از دست داده بود، مراجعه کرد. به او گفتند روز بیستم جواب را می‌گیری. روز بیستم به او گفتند: «حضرت آمدند شما خواب بودید و ایشان رفتند».<sup>۲</sup>

۱۷-۱. شخصی به نام م، الف، دست مریض را کنار سجاده خیالی از امام، به ظاهر در دست امام، می‌گذاشت و می‌گفت: آقا روزی یکی دو تا را شفا می‌دهد. بعد همگی شعار می‌دادند: «یا صاحب الزمان در پیش ما بمان، یا صاحب الزمان آخرت با ما بمان».<sup>۳</sup>

۱۸-۱. در نمازی که به سجاده فرضی حضرت حجت اقتدا می‌کردند، در تشهد نماز

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

بدعت هایی همچون «وفاطمة بنت رسول الله  
أم المؤمنين حجة الله سيما بقية الله في الارضين  
صاحب الزمان» را به صورت دسته جمعی می-  
خواندند.<sup>۱</sup>

## ۲. عوامل انحراف مدعیان

کارشناسان پس از بررسی علمی بر روی  
مدعیان، عوامل ذیل را علل ادعاهای واهی و  
کذب بیان کرده اند:

### ۱-۲. اختلال روانی

فشار روانی، یکی از رایج ترین بیماری های  
زمان معاصر است؛ به گونه ای که طبق برآورد  
کارشناسان سازمان بهداشت جهانی، حدود  
شش درصد جمعیت کل جهان، از بیماری-  
های روانی رنج می برند. شروع هشتاد درصد از  
بیماری های جسمی، با فشار روانی همراه بوده  
است که اصطلاحاً به آن، سایکوزیس<sup>۲</sup> (جنون)  
تحمیلی می گویند چنین فردی با قاطعیت

۱. همان.

۲. «psychosis»، (براساس فرهنگ نرم افزاری انگلیسی-  
فارسی بایبلون).

ادعای خود را بیان می‌کند تا دیگران را تحت تأثیر قرار دهد و دیگر هیچ منطقی را نمی‌پذیرد.<sup>۱</sup>

مدعی، خانم ف، الف در بازداشتگاه، در پاسخ به سؤالی که آیا ادعای همسری امام زمان را کردید، گفت: «من نگفتم؛ اهل یت گفتند و این قول را به من دادند. فقط در یک روز، سیزده بار خواستگار داشتم. امام را با چهره می‌شناسم. چهره جوان و پیر دارند. چهره اصلی ایشان را می‌شناسم و خانم حضرت زهرا پیغام دادند به خانم ف بگویید ظهور فرزندان مهدی نزدیک است. آنان باید توبه از گناهان گذشته کنند، به آنها بگو بلاهای آسمانی نزدیک است اگر احساس بلا کردند، تا می‌توانند از شیشه‌ها فاصله بگیرند. به آنها بگو آن روز که حمیدم بیاید من نیز با حمیدم می‌آیم و شما می‌دانید از نام‌های حضرت حجت، حمید است. همچنین سال ۷۰ حضرت دو جمله فرمودند: نمی‌توانم بیایم؛ چون مردم مرا طلب نمی‌کنند. دو شب بعد

---

۱. نشست ۵۹ مؤسسه فرهنگی انتظار نور، با عنوان «بررسی خلق و خوی مدعیان»، گفتار دکتر برهانی (روان‌شناس).

گفت نمی‌توانم بیایم اگر بیایم باید بگشتم؛ برای اینکه نگشتم نمی‌آیم. من تصمیم گرفتم ایشان هم بیاید و هم نگشد؛ لذا یک سال گریه کردم. چشم‌هایم به سرعت بینایی‌اش را از دست داد. حضرت فرمودند: اگر بیایم، مرا می‌بینی و بینا می‌شوی.<sup>۱</sup>

## ۲-۲. خود کم‌بینی و حقارت

به تعبیر روان‌شناسان، عقده حقارت<sup>۲</sup> یعنی افرادی که در کودکی دچار کمبود یا محرومیتی بوده‌اند، در بزرگسالی به دنبال جبران آن هستند که منجر به نوعی خود شیفتگی می‌شوند که برای جامعه خطرناک هستند؛ یعنی جامعه را به دنبال اهداف تخیلی خود می‌کشند.<sup>۳</sup>

## ۲-۳. افراط و تفریط

یکی از زمینه‌های شخصیتی مدعیان، رفتار خلوت جویانه و انزوا طلبانه آن‌ها است.

۱. نرم افزار شمیم انتظار ۲، (مدعیان دروغین).

۲. inferiority complex.

۳. «نشست ۵۹ مؤسسه فرهنگی انتظار نور»، با عنوان «بررسی خلق و خوی مدعیان»، گفتار دکتر برهانی (روان‌شناس).

این اعمال مدعیان، که تنها شباهت صوری با رفتار اولیای الهی دارد (که دورانی را به خلوت و راز و نیاز پرداخته‌اند)، می‌تواند عامل فریب مردم باشد. البته این‌ها در برهه‌ای دیگر توان شورش‌های فراوان دارند.<sup>۱</sup>

#### ۲-۴. سوءاستفاده از نادانی

بی‌خبر نگاه‌داشتن افراد از روند فعالیت‌های خاص، ازسوی مدعیان و سران فرقه‌ها و معاشرت آنان با افراد آسیب‌پذیر و دارای مشکلات زندگی، عامل دیگری است که سردمداران فرقه‌ها با اعمال قدرت خاص، افراد را مسحور خود می‌کنند. و از طرفی، مردم هم، گرایش خاصی به عرفان‌های کاذب و نودارند و مدعیان معمولاً راه و روشی معرفی می‌کنند که تکالیف کمتری را تحت تر را به دنبال دارد.

مهندس رضا ابوسعیدی پژوهشگر مقیم آمریکا می‌گوید: «یکی از مشاورین سازمان سیا خطاب به سران سازمان می‌گفت، برای

---

۱. «بررسی خلق و خوی مدعیان» دکتر برهانی، سخنرانی در نشست ۵۹، مؤسسه فرهنگی انتظارنور، سال ۱۳۸۶.

براندازی ایران، این قدردنبال برنامه‌هسته‌ای ایران نباشید بلکه بیاپید فرقه سازی کنیم. فرقه‌هاوقتی ساخته شود، آن اراده ملی‌ازبین- مردم می‌رود؛ آن‌گاه بایک حمله ساده می- شودآن منابع انسانی ومالی کشورها راتصاحب کرد.<sup>۱</sup>

## ۵-۲. زودباوری مردم

مدعیان عرفان، برای به دام انداختن انسان های ساده اندیش، از شیوه‌های گوناگون - استفاده می‌کنند؛ گاهی القا می‌کنند روش‌های رایج در عرفان اسلامی نا کارآمد است؛ مثل پیمودن ره صد ساله در یک شب؛ لذا راه‌های انحرافی خود را طرح می‌کنند. گاهی عقاید سنتی را با فرهنگ التقاطی غربی و شرقی گره می‌زنند. گاهی محوشدن در ولایت امام زمان علیه السلام را مطرح کرده؛ خود را نماینده ایشان معرفی می‌کنند تا بتوانند به بهانه بیعت، زنان را وادار به ارتباط با خود نمایند و گاهی با طرح راه حل‌های آسان ومعجزه آمیز دروغین، ایجاد جاذبه می‌نمایند؛ برای مثال،

---

۱. نرم افزار شمیم انتظار ۲، مدعیان دروغین.

مدعی ک ب، به مردم این گونه القا می‌کرد: «کار ما تماماً کار عرفانی است. معرفتتان را به من زیاد کنید. اگر می‌گویید «یالیتنا کنا معک فنفوز فوزاً عظیماً» پس یا الله (کنایه از اینکه فرصت را از دست ندهید. همین‌ها است. از ما حمایت کن، حیف است من مجهولاً بروم. بعد من دیگر کسی نیست این حرف‌ها را بزند. باورداشتمان را محکم کنیم. من ثابت کردم مأموریت دارم. همه کار باید از ناحیه نایبش باشد. خیلی از عرفای اقلیت‌های مذهبی می‌دانند که الان نزدیک ظهور است؛ لذا دوربین‌هایی نزدیک خانه ما گذاشتند تا ببینند چه موقع جنب و جوش است، خبر کنند. این ثانیه‌های آخر غیبت، مرا با حمایتتان، با باورداشتتان یاری کنید. به شدت به دالان ظهور دارید نزدیک می‌شوید. گاهی چنان آقا را نزدیک می‌بینم، فکر می‌کنم فردا است. شهوت و انگیزه در من مرده است. هیچی ندارم. یک جسد خالی هستم. من تشکر می‌کنم از همه کسانی که این سید مظلوم را در این برهه حساس غیبت

یاری می‌کنند».<sup>۱</sup>

دام دیگر آنان برای جوانان، رفع حساسیت‌ها و حرمت‌ها و غیرت دینی پسران و دختران، از دوران کودکی است تا به تدریج در سنین بالاتر تثبیت شود. و آن را نوعی عشق معنوی می‌نامند.

از طرفی اعتماد و توجه فوق‌العاده مردم به اماکن و اشیای منتسب به ائمه و تردید آنان در پذیرش یا رد مدعیان و توجه به ظواهر آنان به جای تحقیق، فضا را برای عرض اندام آنان مهیا می‌کند. نمونه بارز آن، حجت دانستن خواب و رؤیا و توهّمات مدعیان از سوی مردم، حتی کسانی که مدعی آشنایی با مباحث مهدویت هستند.

طبق آمار، بیشتر مدعیان، مرد هستند؛ اما آسیب دیدگی زنان و مردان یکسان است؛ اگرچه در بعضی موارد خاص، بیشتر فریب خوردگان زنان هستند. همچنین آسیب دیدگی مجردین به طور آشکار از متأهلین بالاتر است. ضمن اینکه تحصیلات، جلوی آسیب را نمی‌گیرد. شاید علت، خلأ معنوی

واحساس نیاز بیشتر تحصیل‌کردگان است؛ زیرا علم بیشتر، باعث احساس نیاز و درک بیشتر می‌شود. مدعیان وقتی دیدند عده‌ای از مردم به راحتی ادعاهای خرافیشان را می‌پذیرند، جلوتر رفتند و بعضی از آن‌ها ادعای خدایی کردند.

### ۳. تحلیل نهایی

با توجه به واقعیت‌های مشهود، عواملی همچون ترویج سطحی‌نگری، میدان دادن به عناصر بی‌سواد و دروغ پرداز در عرصه‌های تبلیغات مذهبی، پیدایش خلأهای معنوی در اثر رشد و گسترش مظاهر مادی و بی‌تفاوتی در برابر بی‌بندوباری‌های اجتماعی و اخلاقی، به‌ویژه بدحجابی و خودآرایی و خودنمایی دختران و زنان و مفاسد آشکار و پنهانی که ناشی از آن است، از عوامل مهم پیدایش زمینه‌های رواج خرافات هستند. قطعاً سرمایه‌ها و برنامه‌ریزی‌های خارجی، این جریان آلوده را حمایت می‌کنند و از این زمینه مهیا، حداکثر بهره‌برداری را به عمل می‌آورند.

مهم این است که آنچه زمینه را برای این بهره‌برداری آماده می‌کند، عملکرد غلط

خودی هاست؛ به عبارت روشن‌تر، رشد خرافات، یک تهاجم از درون است. خطر این تهاجم را مدت هاست بزرگان هشدار می‌دهند. رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای در سفر به استان سمنان، ضمن گوشزد کردن خطر گسترش خرافات و بیان این نکته که «شیعه با آزاد فکری و تکیه بر عقل و منطق و استدلال رشد کرده است و باید قدر این ویژگی را دانست و آن را دنبال کرد» بر ضرورت مبارزه با این پدیده شوم تأکید نموده، افزود:

روحانیت آگاه و اصیل، باید بر مبنای سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و روش علمای اسلام، با این گونه خرافات خطرناک، شجاعانه و بدون ملاحظه مقابله کند.<sup>۱</sup>

رهبر فرزانه انقلاب، همچنین فرمود:

در کنار تبیین مسائل اساسی دین، باید با خرافات مبارزه کرد. جدی باید بگیریم. سیصد سال پیش مرحوم آقا جمال خوانساری، صاحب حاشیه بر لمعه برای بر ملا کردن خرافات، کتاب کلتوم ننه را با زبان طنز نوشت. این شأن روحانی است.

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، یکشنبه ۲۴ دی ۱۳۸۵،

۲۴ ذیحجه ۱۴۲۷، شماره ۷۹۶۵، سال بیست و هشتم، ص ۴.

رهبر معظم، به طور خاص مدعیان دروغین مهدویت را مورد اشاره قرار می‌دهد و می‌فرماید:

این، نشانه آن است که گرایش به این عنصر اصلی در زندگی مردم است. مردم به مسائل دین علاقه دارند. آدم خرافه ساز، خرافه درست می‌کند. چون کالای اصلی در اختیارش نیست، می‌رود کالای تقلبی به میدان می‌آورد که مردم را جذب کند. خطرات را باید بگویید. ملاحظه اینکه کی بدش می‌آید نکنید؛ آزاد فکری و عقلانیت شیعه، این دو عنصر در کنار هم مایه افتخار ما است. ما از اول در تفکر شیعه به منطق و استدلال سوق داده شدیم و همین جور هم باید عمل کنیم.<sup>۱</sup>

بسیاری از مراجع عظام تقلید نیز پیوسته خطر رواج خرافات را گوشزد کرده و می‌کنند. حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در دیدار مسؤولان رادیو معارف چنین بیان فرمودند:

شما باید بحث خرافات را جدی گرفته و بیش از پیش در این خصوص کار کنید. عده‌ای با ترویج خرافات می‌خواهند پایه‌های اعتقادی و مبانی استدلالی ما را تضعیف نمایند. متأسفانه عده‌ای امروز به سمت پیر و مرشد ساختن و

۱. نرم افزار شمیم انتظار ۲، (مدعیان دروغین).

عارف درست کردن می‌روند که باید جلوی این کار نیز گرفته شود.<sup>۱</sup>

خرافه دیگری که مراجع عظام درباره آن واکنش نشان داده‌اند، انتشار نامه‌هایی منسوب به امام زمان علیه السلام است. مثلاً مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی رحمته الله در پاسخ نظرخواهی، مرقوم فرمود:

دست نویس مقابل، مجعول و برای رسیدن به اهداف مادی و اغراض دنیوی و یا از روی جهالت جعل شده و نظائر آن در این زمان، فراوان است.<sup>۲</sup>

حضرت آیت الله مکارم شیرازی هم در همین رابطه اظهار داشت:

نسبت دادن هر نوع نامه به حضرت ولی عصر علیه السلام دروغ و خرافات است. این نوع مسائل در جامعه زیاد شده است و مردم نباید فریب این گونه خرافات را بخورند. اگر علمای دین، بدعت‌ها را در نطفه خفه نکنند، دین اصالت خود را از دست خواهد داد. بدعت گذاران در دین

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، یکشنبه ۲۴ دی ۱۳۸۵، ۲۴ ذیحجه ۱۴۲۷، شماره ۷۹۶۵، سال بیست و هشتم، ص ۴.
۲. روزنامه جمهوری اسلامی، شنبه ۸ مهر ۱۳۸۵، ۱۴۲۷، ش ۷۸۸۰، سال بیست و هشتم، ص ۴.

خدا، ظالم ترین افراد روی زمین می‌باشند و اگر علمای دین با این نوع افراد برخورد جدی نکنند، خداوند متولیان دین را نمی‌آمرزد.<sup>۱</sup>

#### ۴. اهداف و انگیزه‌ها

در یک تقسیم کلی می‌توان اهداف مدعیان را در دو چیز تقسیم کرد:

الف. انگیزه‌های شخصی

ب. اهداف گروهی و تشکیلاتی

اسناد و تجربیات موجود ثابت می‌کنند معمولاً گروه‌های منحرف مدعی، مستقیم و یا غیرمستقیم دارای رگه‌های سیاسی بوده، تحت هدایت یا حمایت بیگانگان ادامه حیات می‌دهند. در یک جمع بندی می‌توان موارد ذیل را از اهم اهداف و انگیزه‌های مدعیان فردی و گروهی مهدویت برشمرد:

۱. کسب شهرت و آوازه؛

۲. کسب ثروت و سودجویی (از افراد ساده لوح)؛

۳. شهوترانی و سوء استفاده جنسی (به ویژه با اغفال زنان و جوانان)؛

۴. احساس خود برتربینی، خود دیگر بینی -  
الینه شدن - قدرت طلبی و مریدپروری

(معمولاً این نوع مدعیان، بیماران روانی هستند که دچار توهم و تخیل شده اند).

۵. جبران شکست‌های زندگی و پایان دادن به سرخوردگی‌های گذشته و پاسخ به عقده حقارت؛

۶. جبهه‌گیری و ضدیت با دین و مذهب و نظام اسلامی؛

۷. تشکیل شبکه‌های فساد اخلاقی، باندهای توزیع مواد مخدر، ایجاد گروه‌های ضد اجتماعی (مانند سرقت، قتل و تسویه حساب-های شخصی و گروهی)؛

۸. تشکیل شبکه‌های سیاسی - امنیتی برای ایجاد اغتشاش و انجام عملیات‌های خرابکارانه در کشور (با هدایت و حمایت دشمنان نظام)؛<sup>۱</sup>

۹. ایجاد گسست میان مردم با نظام اسلامی، مرجعیت و روحانیت؛

۱۰. ایجاد جریان‌های انحرافی در راستای تضعیف اسلام ناب؛

۱۱. مایوس کردن مردم از اسلام، تشیع، روحانیت و نظام مقدس اسلامی؛

---

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه ۲۵ آذر ۱۳۷۸ - ۱۶ ذیحجه ۱۴۲۹ - شماره ۸۵۰۷ - سال سی ام - ص ۹.

۱۲. تضعیف حداکثری شریعت، مرجعیت و علما و روحانیون دلسوز و توانمند.

فریب جلوۀ سالوسیان مخور کاین قوم  
امیدشان به خدا نه، به سیم و زر است

### ۵. شگردهای جذب مریدان

۱. شناسایی و جذب افراد ساده لوح؛

۲. تأمین نیازهای مریدان و تطمیع جوانان

با پول؛

تشویق جوانان به ارتباطات آزاد جنسی  
و تن پروری، مانند برگزاری اردوهای مختلط و  
توصیه به زنان برای کشف حجاب در  
مراسم‌ها؛

۴. ارائه اذکار و اوراد غیر مأثور و ختومات  
عجیب و غریب و توزیع دستورالعمل‌های  
غیرشرعی و به ظاهر جذاب؛

۵. چشم بندی، کف‌بینی، رمالی و انجام ا-  
مورخارق العاده یا غیرعادی، مانند احضار  
اجنه و تسخیر ارواح؛

۶. ادعاهای گزاف و دروغ پردازی‌های  
بزرگ مانند، ادعای کرامت و معجزه، مکاشفه،  
ادعای دانستن اسرار و رموز هستی و کشف  
اسرار و رازهای مگو، تسلط بر علوم غریبه و

- دانستن خواص حروف و اعداد و جداول؛
۷. ادعای تشرُّفات دروغین به محضر ذوات مقدس معصومان علیهم السلام؛
۸. ارائة اشیاء مختلف و انتساب آن به معصومان علیهم السلام؛
۹. تلقین رؤیت نور، استشمام بوهای خوش با ترفندهای مختلف؛
۱۰. خواب پردازی و یا تعبیر خواب های مریدان به شکل جذاب و دلخواه؛
۱۱. لفاظی و سخنوری و سوءاستفاده از قدرت بیان خود در جذب مخاطب؛
۱۲. مبهم گویی؛
۱۳. تفسیر به رأی قرآن و منابع مذهبی و بدعت در انجام مناسک دینی و صدور فتواهای من درآوردی؛ مانند خواندن نماز به زبان فارسی و یا ترک کامل آن در مواقع تشخیص مراد؛
۱۴. ارائة استخاره و تفأل به طور مشروح و مورد پسند مخاطب؛
۱۵. ادعای تعبیر خواب؛
۱۶. انتقال حس شخصیت کاذب به مریدان مانند دادن سفارت و مأموریت های خاص به هر مرید؛

۱۷. ادعای شفاعت گناهان و شفای امراض  
صعب العلاج؛

۱۸. ادعای ارتباط و وابستگی به نهادهای  
حوزوی، قضایی، امنیتی و انتظامی و دیگر  
مراکز موجه نظام برای جلب اعتماد مریدان؛  
۱۹. ادعای رساندن آسان و بدون زحمت  
مریدان به مقامات معنوی؛ مثلاً تنها با بیعت  
کردن و دست بوسی و تبعیت بی چون و چرا  
از مراد؛

۲۰. نفوذ در ngo ها - تشکلات غیر دولتی  
- با وعده کمک های مادی و دستگیری های  
معنوی.<sup>۱</sup>

## ۶. اهم راهکارهای مقابله با مدعیان - دروغین

### ۱. اقدامات ایجابی

- تغییر در نحوه تبلیغات دینی؛
- بازتولید تبلیغات دینی؛
- ارائه مبانی و مسلمات اصول دین و  
مذهب به صورت فراگیر و جذاب؛

---

۱. «روزنامه جمهوری اسلامی»، دوشنبه، ۲۵ آذر ۱۳۸۷ -  
۱۶ ذیحجه ۱۴۲۹ - شماره ۸۵۰۷ - سال سی ام - ص ۹.

- برگزاری جلسات اخلاقی و معنوی متناسب با ذائقه مخاطبان در سنین و گروه-های مختلف اجتماعی و فرهنگی؛
- ارائه کتب مناسب و جذاب اخلاقی و عرفانی، متناسب با سنین و فرهنگ های مختلف؛
- ارائه کتب داستانی (رمان) جذاب.

## ۲. اقدامات سلبی

- افشاگری مدبرانه و هوشمندانه گفتارها و رفتارهای غیر عقلایی سر کرده های فرقه ها (بدون ذکر نام فرد و فرقه)؛
- توجیه اقناعی و چهره به چهره فریب خوردگان؛
- مقابله با مدعیان دروغین با استفاده از بدّل روش های آنان (که منجر به زیر سؤال بردن صحت ادعایشان می شود)؛
- روش ادعا در مقابل ادعا؛ مثلاً عالمی در مقابل مدعی سید یمانی، به او گفت: «چرا تو سید یمانی باشی؟ من سید یمانی هستم.»
- آنگاه فرد مدعی چیزی برای گفتن نداشت؛
- استفاده از تست های دروغ سنج؛
- به کارگیری از دستگاه دروغ سنج؛

- طرح پرسش از مدعیان و درخواست پاسخ از اولیاء الله.

### دو نکته

۱. چنانچه اقدامات سلبی بدون برنامه ریزی و تدبیر مناسب صورت گیرد، به ترویج فرقه‌ها کمک خواهد کرد. در همین راستا مؤکداً تقاضا می‌شود در این گونه موارد از ذکر اسامی فرقه‌ها و رهبران آنها خودداری شود.
۲. نگارنده در دیداری که با عالم بزرگوار، حضرت آیت الله رودباری - دام ظلّه - داشته و در باره آسیب‌ها و مدعیان دروغین در عرصه مهدویت سخن به میان آوردم، آن بزرگوار فرمود:

البته نباید آسیب‌ها را خیلی برجسته نشان داد؛ زیرا باعث باور عموم و بزرگ شدن مدعیان دروغین خواهد شد؛ در حالی که مدعیان دروغین در طول تاریخ غیبت، پیوسته وجود داشته و مردم رویکردی به آنان نشان نداده‌اند.

### نتیجه‌گیری

هر امر مهمی به نسبت اهمیت آن، در معرض خطرهای آسیب‌هایی است. آموزه‌های دینی نیز به سبب اهمیتی که در سرنوشت

افراد و جوامع گوناگون دارند، نیز از این قاعده مستثنا نیستند. در این میان دربارهٔ آموزهٔ مهدویت نیز امکان بروز آفت‌ها و آسیب‌هایی وجود دارد که اگر به آن‌ها توجه نشود، آثار منفی و مخربی به دنبال خواهد داشت. آسیب‌های آموزهٔ مهدویت، به مواردی اطلاق می‌شود که غفلت از آن‌ها موجب سستی اعتقاد آدمی به اصل وجود امام علیه السلام یا ابعاد مختلف شناخت آن بزرگوار می‌شود و گاهی نیز گرایش به افراد یا مجموعه‌های منحرف را در پی دارد؛ از این رو باید برای شناختن این کج‌روی‌ها و کج‌اندیشی‌ها اقدام جدی شود.

از آسیب‌های مهم در فرهنگ مهدویت، تفسیرها و برداشت‌های نادرست از موضوعات این فرهنگ اسلامی است. درک و دریافت غلط از مفهوم انتظار سبب شده است بعضی گمان کنند چون اصلاح جهان از فساد، به دست امام عصر علیه السلام خواهد بود، برابر تباهی‌ها و ناهنجاری‌ها هیچ وظیفه‌ای نداشته و باید بی‌تفاوت بود؛ چرا که همه چیز بر عهدهٔ آن حضرت است.

در ادامهٔ همین برداشت، افرادی نیز معتقدند هر حکومتی که در زمان غیبت

محقق شود، حکومتی باطل و برخلاف اسلام است. در چنین فضایی باید به تبیین این نکته پرداخت که روح آموزه‌های دینی و اساس برخی از آن‌ها همچون امر به معروف و نهی از منکر، در تضاد با چنین برداشتی است. نیز روایت‌هایی که به بطلان قیام‌ها و نهضت‌های عصر غیبت اشاره می‌کنند، حرکت‌هایی را شامل می‌شوند که به سبب دعوت به خویشتن برافراشته شده و محکوم به بطلان می‌باشند. سستی، بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به شرایط جامعه، سر تسلیم فرود آوردن در مقابل بدی‌ها و ستم‌ها، بازیچه سیاست‌بازان و منحرفان شدن و مقابله با هر حرکت اصلاحی، همه از نتایج این دیدگاه در مورد انتظار است. چه شناخت صحیح از دین نداشتن، امر به معروف و نهی از منکر نکردن و نسبت به مسائل پیرامون خود بی‌تفاوت بودن، افراد و جامعه منتظر را از انتظار واقعی دور خواهد کرد.

دیگر آنکه برخی افراد به علت نداشتن نگاه جامع به دین و بدون بررسی دقیق روایات و سند آن‌ها، به شنیده‌ها اکتفا کرده، چهره‌ای خشن از امام عصر علیه السلام ارائه می‌دهند؛ در

حالی که باید مهر و قهر در کنار هم مطرح شوند و در چهره‌ای که از ظهور و حکومت حضرت و شخصیت بی‌مانند آن امام ترسیم می‌شود، مهر و قهر در کنار هم بیایند. تنها از قهر سخن گفتن و مهر را از یاد بردن، امام را در ذهن برخی افراد، خشونت طلب معرفی می‌کند. درباره مهر حضرت، سخن بسیار می‌توان گفت؛ چه روایاتی که مهر امامان را به طور عموم بازگو می‌کند و چه روایاتی که در ارتباط با مهر امام مهدی علیه السلام به طور خاص رسیده است.

مهربانی امام، همچون مهر خداوند کریم حکیمانه است؛ بدین معنا که قهر او نیز جلوه محبت اوست؛ چون قهر او بر دشمنانی خواهد بود که با توجه به هدایت و معجزات آن حضرت، باز هم به او کفر ورزیده و حکومت عدلش را گردن نمی‌گذارند. در زمین فساد می‌کنند و این یعنی خارها را از سر راه انسان و انسانیت برداشتن، یعنی مهر در چهره قهر. در ضمن، گروهی دیگر امام را شخصیتی تصور کرده‌اند که گویای به هیچ مبارزه و جهادی اقدام نمی‌نماید و همه امور را با معجزه حل می‌کند که این تفکر نیز نادرست

است؛ چرا که با هر دوی این مهر و قهر است که مبنای حکومت امام پا می‌گیرد و زمینه‌های عدالت‌گستری فراهم می‌آید.

از دیگر آسیب‌های موجود که ممکن است جامعه منتظر در دام آن گرفتار آید، طرح مباحث غیرضروری است. گاهی افراد و مجموعه‌ها در قالب‌های گفتاری و نوشتاری، به بحث‌هایی روی می‌آورند که هیچ ثمری ندارد و ضرورتی برای طرح آن‌ها احساس نمی‌شود. پرداختن به مباحثی از قبیل ازدواج حضرت و وجود فرزند برای آن بزرگوار، محل زندگی حضرت و مانند آن، از نمونه بحث‌های غیرضروری است. در رابطه با ازدواج حضرت بسیار دیده شده است که گروهی با بیان مطالبی غیر مستند، ازدواج حضرت را اثبات کرده و بعضی دیگر آن را رد کرده‌اند؛ در حالی که هیچ دلیل قطعی بر اثبات یا رد آن وجود ندارد و مهم‌تر اینکه توجه به چنین مباحثی فایده‌ای نداشته، ما را از پرداختن به مباحث اصلی و ضروری باز می‌دارد. آنچه در روایات به آن تأکید شده است، معرفت امام، حرکت در جهت رضایت امام مهدی علیه السلام و پیروی از آن حضرت در گفتار و کردار و

زمینه‌سازی برای ظهور ایشان است. از دیگر آسیب‌های محتمل، خطر تعجیل و شتابزدگی است. عجله داشتن در تحقق امر ظهور که در روایات بسیاری مورد نکوهش واقع شده‌است، از جدی‌ترین آسیب‌های این عرصه به شمار می‌رود. مهیای ظهور بودن و کوشش برای زمینه‌سازی ظهور، بسیار مفید و پر ثمر است؛ اما نباید در این راه، شتابزده بود. شتابزدگی حاکی از درک نکردن حکمت و مصلحت خدا در این زمینه است و پیامدهای گوناگونی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به نا شکری و اعتراض و عدم رضایت به مصلحت الهی، رویکرد به منحرفان و مدعیان دروغین مهدویت، یأس و ناامیدی در اثر عدم تحقق ظهور، استهزا و تمسخر آیات و روایات و معتقدان به غیبت و ظهور و نیز بروز شک و تردید اشاره کرد. تعجیل یکی از آفت‌ها و آسیب‌هایی است که فرا روی منتظران قرار دارد؛ اما برخی در نقطه مقابل نیز دچار آسیب شده‌اند که آن، دور شمردن وقت ظهور

است و نتیجه آن، بی‌اعتنایی و قساوت قلب است.<sup>۱</sup>

از دیگر آسیب‌ها، تعیین وقت برای ظهور است. گسترش شور و شوق عمومی برای ظهور حضرت حجت علیه السلام پدیده مبارکی است؛ اما اگر این پدیده به تعیین زمان برای ظهور و امیدوار ساختن مردم به ظهور ایشان در زمانی معین منجر شود، جای تأمل بسیار دارد؛ زیرا بر اساس برخی روایات نقل شده از ائمه علیهم السلام هیچ کس جز خدای تبارک و تعالی از زمان ظهور آگاهی ندارد و از این رو تعیین وقت برای ظهور (توقیت) جایز نیست.

حکمت الهی بر این است که وقت ظهور آن حضرت بر بندگان مخفی بماند؛ لذا احدی نمی‌تواند زمانی برای ظهور تعیین کند. با این

---

۱. *الخصال*، ج ۲، ص ۶۲۲: «...و استعینوا بالله و اصبروا فإن الأرض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتقین لا تعجلوا الأمر قبل بلوغه فتندموا و لا یطولن علیکم الأمد فتفسؤ قلوبکم...؛ از خدا یاری خواهید و شکایا باشید. زمین را به هر که از بندگان خویش هرگاه خواسته باشد، می‌دهد و فرجام نیک از پرهیزکاران است. پیش از وقت در کارها شتاب مکنید تا پشیمان نگردید. زمان را دراز مگیرید تا در دل شما دشوار نشود».

حال بعضی آگاهانه یا ناآگاهانه برای ظهور وقت تعیین می‌کنند که کم‌ترین اثر آن، احساس یأس و ناامیدی برای کسانی است که این وعده‌های دروغین را باور کرده، ولی خلاف آن را دیده‌اند.

تطبیق نشانه‌های ظهور بر مصادیق خاص نیز از جمله آسیب‌هایی است که پیوسته بعد از غیبت امام عصر علیه السلام وجود داشته است. مطابقت دادن نشانه‌های ظهور بر وضعیت هر زمان، به این معنا که عده‌ای با خواندن یا شنیدن چند روایت در علایم ظهور، آن‌ها را به افراد یا حوادثی خاص تطبیق می‌دهند، بدون تشخیص صحیح بودن آن‌ها و بدون بررسی آیات و روایات دیگر، آسیبی جدی است که همواره سلامت جامعه منتظر را تهدید می‌کند.

ملاقات‌گرایی، از دیگر آسیب‌هایی است که در عصر غیبت برای جامعه منتظر رخ می‌نماید. مدعیانی که بی‌دلیل یا به بهانه ساده‌ترین اتفاق، ادعای ملاقات می‌کنند یا کسانی که تمام وظیفه خویش را دیدار حضرت می‌پندارند و از وظایف اصلی خود غافل می‌شوند زمینه ساز بروز چنین آسیبی

هستند. البته مسلماً دیدار، امر مطلوبی است؛ اما ویژگی منتظران واقعی امام برای دستیابی به رضایت آن حضرت، ادای وظایفی است که برای آن‌ها در نظر گرفته‌اند.

آنچه در کتاب حاضر گذشت، شناخت آسیب‌های جامعه منتظر در چشمانداز آموزه مهدویت بود. این آسیب‌ها و انحرافات در ابعاد فکری و اعتقادی و رفتاری و نیز در حوزه‌های فردی و اجتماعی، امکان بروز و ظهور داشته و دارند. در پیگیری موضوع کتاب، نخست به این پرسش پاسخ داده شد که آیا در متون و منابع اسلامی، برای جامعه منتظر و کسانی که در زمان غیبت، در انتظار امام غایب به سر می‌برند، آسیبی ذکر شده است؟ با فرض ذکر این آسیب‌ها، مهم‌ترین آن‌ها در این عرصه چیست و به چه مواردی اشاره شده است؟

علاوه بر این، چه آسیب‌هایی درباره روایات و آموزه‌های مربوط به انتظار ظهور امام به وجود آمده که به انحراف در برداشت‌ها و تفاسیر از آن‌ها انجامیده است؟ سپس اثرات و پیامدهایی که این آسیب‌ها در فرد و جامعه منتظر بر جای می‌گذارد و مشکلاتی که به آن‌ها دامن می‌زند، مورد بررسی قرار گرفت.

با مطالعه روایات و احادیث معصومان به مجموعه‌ای از خطرات و آسیب‌ها برمی‌خوریم که با غیبت امام مهدی علیه السلام برای جامعه منتظر به وجود می‌آید. عمده‌ترین این آسیب‌ها که به‌طور خاص با مسأله انتظار و ظهور ایشان درهم تنیده شده است، عبارتند از: استعجال ظهور، بروز تشّت و تفرقه، ایجاد هرج و مرج، توقیت و تطبیق شرایط با زمان ظهور، ظهور مدعیان دروغین نیابت و مهدویت و ایجاد کسالت و سستی در انجام وظایف.

علاوه بر این، مسایلی از قبیل برداشت‌های انحرافی از آموزه انتظار، تفاسیر نامعقول از روایات مرتبط با زمان ظهور، ترسیم امام به عنوان یک عنصر قهرآلود، ویرانگر و پایان بخش، تحریف در مفهوم غیبت و ایجاد نظریات بی‌پشتوانه در این باب، طرح مباحث غیرضروری در زمینه مهدویت، کوتاهی متولیان فهم در ارائه آموزه‌های مهدوی و انجام وظایف خود، متناسب با تحولات زمان، ملاقات‌گرایی، عدم پیروی از فقها و نواب عام امام زمان علیه السلام در عصر غیبت، دامن‌زدن به بی‌توجهی و ناامیدی نسبت به حضور و ظهور

امام، سبب شده است تا آثاری همچون نفرت و ترس از امام و ترک وظایفی که نسبت به ایشان در بعد فردی وجود دارد و نیز ناامیدی افراد جامعه و عدم پیروی از عالمان و دانشمندان در مسایل زندگی و گسست میان نسل‌های تشیع در بعد اجتماعی و تاریخی به وجود آید. این مطالب سبب شد تا فرضیه‌های اصلی پژوهش ثابت شوند.

در پایان و در جهت مرور منشأ و علل آسیب‌های جامعه منتظر، آنچه به عنوان عوامل و زمینه‌های اصلی در بروز این آسیب‌ها و ایجاد پیامدهای ناشی از آن‌ها به نظر می‌رسید، از جمله عناصری همچون فراموشی ولایت خدا و معصومان علیهم‌السلام، فقر فرهنگی، خودخواهی و اشتیاق غیرمعقول در حوزه فردی و نیز مواردی از قبیل عدم معرفت و آگاهی و طرح مباحث به شیوه غیرکارشناسی در حوزه اجتماعی، ضعف جامعه پذیری و فقر و غنای مفرط اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت و سپس راهکارهای مقابله با آسیب، تبیین گردید. آنگاه به جریانات انحرافی مدعیان دروغین و بررسی ابعاد مختلف درباره آن به طور مستند پرداخته شد.

## کتابنامه

### قرآن کریم

۱. آریان پور، عباس، فرهنگ کامل انگلیسی فارسی، سوم، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۹ ش.
۲. آریان پور، منوچهر، فرهنگ پیشرو آریان پور، جهان رایانه، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۳. آشوری، داریوش، فرهنگ علوم انسانی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، دارالکتاب العربی، بغداد، ۱۳۸۴ ق.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۷ ق.
۶. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول، حسین اعلمی، آل علی، قم، ۱۳۸۲ ش.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، المناقب آل ابی طالب، ذو القربی، قم، ۱۳۸۵ ش.
۸. ابن طاووس، السید علی، اللهوف، نوید اسلام، قم، ۱۳۸۲ ش.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، اول، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۱۰. ابی فراس، ورام، مجموعه ورام، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۱. احسایی، شیخ احمد، جوامع الکلم (رساله دمشقیه)، اول، دارالمحجّة، بیروت، ۱۴۲۵ ق.

۱۲. استر آبادی، علی، *تأویل الآیات الظاهرة*، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۶ ش.
۱۳. اسحاقیان، جواد، *پیچک انحراف*، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، قم، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. اسلامی‌ندوشن، محمد علی، *فرهنگ و شبه فرهنگ*، سوم، یزدان، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۱۵. الیور لیمن، *تاریخ فلسفه اسلامی*، حسین نصر، حکمت، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۱۶. بریجانیان، ماری، *فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی*، بهاء‌الدین خرمشاهی، دوم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۱۷. پورسیدآقایی، مسعود، *تاریخ عصر غیبت*، دوم، حضور، بی‌جا، ۱۳۸۳ ش.
۱۸. تبریزی، محمدحسین بن خلف، *برهان قاطع*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۱ ش.
۱۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غررالحکم و درر الکلم*، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
۲۰. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، تبلیغ (۱۰)، ویژه نامه رمضان المبارک ۱۴۲۹ ش.
۲۱. جرج ریتزر، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران-معاصر*، حیدرفتح‌زاده قریب، اول، حقوق اسلامی، قم، ۱۳۸۳ ش.
۲۲. جعفری، محمدصابر، *مهدی‌ستیزان*، اول، الهادی، قم، ۱۳۸۴ ش.

۲۳. حاکم نیشابوری، محمد بن محمد، المستدرک  
على الصحيحین، یوسف مرعشی، دارالمعرفة،  
بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۲۴. حجاریان، سعید، از شاهد قدسی تا شاهد  
بازاری، طرح نو، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۲۵. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه،  
موسسة آل البيت علیہ السلام، قم، ۱۳۷۸ ش.
۲۶. حسینی شیرازی، صادق، شمیم رحمت، امام  
عصر، قم، ۱۳۸۴ ش.
۲۷. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن،  
المکتبة المرتضویه، تهران، ۱۳۹۲ ق.
۲۸. رجب زاده، زهرا، گذری بر آسیب شناسی جامعه-  
اسلامی، اول، معارف، قم، ۱۳۸۱ ش.
۲۹. رفیع پور، فرامرز، آناتومی جامعه، شرکت  
سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۳۰. سید بن طاووس، الملاحم و الفتن، اسلامی،  
تهران، ۱۳۶۰ ش.
۳۱. سید بن طاووس، جمال الأسبوع، آفاق، تهران،  
۱۳۷۱ ش.
۳۲. سید رضی، نهج البلاغه، محمد دشتی، نشر  
امام علی علیہ السلام، قم، ۱۳۷۰ ش.
۳۳. شهیدی، جعفر، ترجمه نهج البلاغه، چاپ-  
سیزدهم، انتشارات علمی و فرهنگی،  
۱۳۷۷ ش.

۳۴. شیخ الاسلامی، حسن، غرر الحکم و درر الکلم، انصاریان، قم، ۱۳۷۴ ش.
۳۵. شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، مکتوب، قم، ۱۳۷۵ ش.
۳۶. صافی گلپایگانی، لطف الله، جمال منتظر، ترجمه منتخب الاثر، نشر احمد زین پوری، مؤسسه الامام المنتظر، قم، ۱۳۸۳ ش.
۳۷. صافی، لطف الله، منتخب الاثر، دوم، مکتبه الصدر، تهران، بی تا.
۳۸. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبة الکبری، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۳۸۰ ق.
۳۹. صدر حاج سید جواد، احمد، دائرة المعارف تشیع، شهید سعید محبی، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۴۰. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، دارالحديث، قم، ۱۳۸۲ ش.
۴۱. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۳۶۹ ق.
۴۲. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، دارالحديث، قم، ۱۳۸۰ ش.
۴۳. طبرسی نوری، میرزا حسین، نجم الثاقب، مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۵ ش.
۴۴. طبسی، محمدرضا، الشیعة والرجعة، محمد میرشاه ولد، حکمت، قم، ۱۳۸۰ ش.
۴۵. طبسی، نجم الدین، نشانه های ازدولست موعود، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵ ش.

۴۶. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۴۷. طوسی، محمد، الغیة، مؤسسة المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ ق.
۴۸. طوسی، محمد، مصباح المتعجد، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
۴۹. حلی، علامه، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، اسلامیه، تهران، بی تا.
۵۰. عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، ششم، نی، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۵۱. عاملی، جعفر مرتضی، جزیره خضرا در ترازوی نقد، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱ ش.
۵۲. حایری قزوینی، مهدی سیمای حضرت مهدی در قرآن، سوم، نشر آفاق، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۵۳. علویان، مرتضی، روحانیت و جامعه پذیری سیاسی، اول، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۳ ش.
۵۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، دارالهجره، قم، ۱۳۷۶ ش.
۵۵. فرمهبینی فراهانی، محسن و ابوالقاسمی، محمد جواد، آسیب شناسی توسعه فرهنگ دینی، منهاج، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۵۶. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، الهی قمشه ای، اول، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۹ ش.
۵۷. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرالقمی، مکتبه الهدی، نجف، ۱۳۸۷ ق.

۵۸. کراجکی، عبدالله نعمة، *کنز الفوائد*، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۵۹. کارل پوپر، *جامعه باز و دشمنان آن*، عزت الله فولادوند، خوارزمی، تهران، ۱۳۸۴ش.
۶۰. کاظمی، سیدعلی اصغر، *بحران نوگرایی- و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر*، قومس، تهران، ۱۳۷۶ش.
۶۱. کاظمینی، میرزا محمد، *فرهنگ سازی در دنیای امروز*، بنیاد فرهنگی ریحانه الرسول، قم، ۱۳۸۱ش.
۶۲. کفعمی، ابراهیم بن علی، *البلد الامین*، دارالکتاب، بیروت، ۱۳۷۸ق.
۶۳. کورانی، علی، *معجم احادیث الامام المهدي*، مؤسسة المعارف الاسلامیه، بی جا، ۱۴۱۱ق.
۶۴. کفعمی، ابراهیم بن علی، *المصباح*، موسسه الاعلامی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۸۲ق.
۶۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، اسلامیه، تهران، ۱۳۸۱ش.
۶۶. گلشن فومنی، محمدرسول، *جامعه شناسی- سازمان‌ها و توان‌زمانی*، دوران، تهران، ۱۳۸۲ش.
۶۷. گوستاو یونگ، کارل، *روح و زندگی*، اول، نیل، ۱۳۷۹ش.
۶۸. گی‌روشه، کنش اجتماعی، *زنجانی‌زاده*، هما، دانشگاه فردوسی، مشهد، بی تا.

۶۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دارالمعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۳۷۹ق.
۷۰. مشکور، محمدجواد، فرهنگ فرق-اسلامی، دوم، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ش.
۷۱. مصباح یزدی، محمدتقی، آفتاب ولایت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، قم، ۱۳۸۲ش.
۷۲. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، وزارت فرهنگ و ارشاد، تهران، ۱۳۷۴ش.
۷۳. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب از دیدگاه فلسفه-تاریخ، صدرا، تهران، ۱۳۸۳ش.
۷۴. مطهری، مرتضی، انسان و سرنوشت، صدرا، تهران، ۱۳۸۲ش.
۷۵. موسوی خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، اسلامی، تهران، ۱۳۶۹ش.
۷۶. ناظم زاده قمی، سید علی اصغر، جلوه های حکمت، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۵ش.
۷۷. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۳۸۲ش.
۷۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیة، دارالکتاب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۲ش.
۷۹. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، اول، آل البيت علیهم السلام، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۸۰. نهاوندی، علی اکبر، العبقری الحسان، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۶ش.

۸۱. نیک گهر، عبدالحسین، *مبانی جامعه‌شناسی*، توتیا، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۸۲. نیم کوف واگ برن، *زمینه جامعه‌شناسی*، ترجمه آریان پور، شرکت حبیبی، تهران، ۱۳۵۳ ش.

### مقالات و پایان‌نامه‌ها

۸۳. معین الاسلام، مریم، *فصلنامه انتظار موعود*، (مقاله «چشم اندازی بر برخی از آسیب‌های تربیتی مهدویت»، مرکز تخصصی مهدویت، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۳۸۳ ش.
۸۴. کورانی، علی، *فصلنامه انتظار موعود*، (مصاحبه)، مرکز تخصصی مهدویت، سال اول، شماره دوم، ۱۳۸۰ ش.
۸۵. سند، محمد، *فصلنامه انتظار موعود*، (مصاحبه)، مرکز تخصصی مهدویت، سال دوم، شماره سوم، ۱۳۸۱ ش.

### مجلات، نرم افزارها و سایت‌ها

۱. «دانش‌نامه ویکی پدیا فارسی»، سایت ویکی پدیا، جیمی ولز، ۲۰۰۱ م.
۲. صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، ویژه نامه‌ی *کثر/همه* (تأملی در عرفانهای دروغین)، جام جم، اسفند ۱۳۸۶.
۳. نشریه کتاب نقد، دی ماه ۱۳۷۶ ش.